

رهیافت اجتماع محوری پلیس در پیشگیری از جرائم در پهنه استان مازندران

کاظم رجب زاده چناری^۱، حسن حاجی تبار فیروزجایی^۲، مهدی اسماعیلی^۳

از صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۹

چکیده

هدف و زمینه: یکی از چالش‌های اصلی در بحث ورود مجرم به نظام عدالت کیفری، دریافت پاسخ‌های کیفری به صورت رسمی و دولتی در قالب کیفرهای سخت و خشن است. توالی فاسد اینگونه پاسخ‌ها اقتدارگرایی نظام قضایی، امنیتی شدن سیاست جنایی، حذف پاسخ‌های جامعه‌ی و برچسب زنی به شهروندان است. برای پیشگیری از این توالی فاسد و توجه بیشتر به رویکردهای پیشگیرانه حضور و بروز پلیس اجتماع محور با رویکردها و رهیافت‌های جامعه‌ی - ترمیمی مبتنی بر صلح و سازش ضروری به نظر می‌رسد. نوشتار حاضر به بررسی و نقش برنامه‌های پلیس اجتماع محور استان مازندران در پیشگیری از جرائم می‌پردازد.

روش تحقیق: اطلاعات مورد نیاز به دو صورت تلفیقی از طریق دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (تهیه پرسشنامه محقق ساخته بر اساس طیف لیکرت و تکمیل آن بین نمونه آماری ۳۵۰ نفر تصادفی ساده از پلیس، قضات، اساتید دانشگاه، مسئولین و آحاد مردم در پهنه استان مازندران) جمع آوری گردید و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون تی تک نمونه‌ای و دو جمله‌ای انجام گرفته است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: رهیافت اجتماع محوری در پلیس استان مازندران با اجرای طرح‌هایی اعم از طرح مکنّا، طرح شورای معتمد پلیس، تعبیه واحدهای مشاوره و مددکاری و طرح‌های چهارگانه ارتقاء امنیت اجتماعی (رعد، فاتح، نصرت و ظفر) با زیربنای جرم شناسی و مبتنی بر نظریاتی همچون عدالت ترمیمی، برچسب زنی و نظریه حداقلی حقوق کیفری ضمن حصول سازش ۷۵ درصدی پرونده‌های ارجاعی، باعث توقف و کاهش جرائم مطمح نظر محله‌ها و ارتقاء احساس امنیت اجتماعی گردیده است بنابراین پلیس مازندران رهیافت اجتماع محوری را بر پایه سیاست جنایی مشارکتی در جرائم کم‌اهمیت و خرد با اجرای برنامه‌ها و طرح‌های متمرکز و غیر متمرکز با موفقیت به ظهور رسانده است.

کلید واژه‌ها: پلیس، اجتماع محور، پیشگیری، طرح‌ها، واحدهای مشاوره و مددکاری.

^۱ دکتری رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله امّلی، آمل، ایران. km.rajabzadeh@gmail.com

^۲ دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران. نویسنده مسئول. hajitabar@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله امّلی، آمل، ایران. mehdiesmaeli9@yahoo.com



مقدمه و بیان مسئله

با پیشرفت علم و تکنولوژی و تنوع و گستردگی جرائم، تحول و تکامل در سطوح سیاست‌های جنایی برای پیشگیری از بزه‌کاری ضروری می‌باشد (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۵: ۲۸) اما این سیاست استفاده از کیفر و مجازات را به عنوان آخرین تکیه‌گاه خود قرار داده است و بر این اساس باید تغییرات اساسی در رویکرد سازمان‌های درگیر در سطوح سیاست جنایی پدیدار گردد. سازمان پلیس از جمله سازمان‌هایی است که ضرورت تغییر نگرش در برنامه‌های اجرایی آن در رویارویی با مسائل اجتماعی (جرم، انحراف) مبرهن می‌باشد. در قوانین شکلی و ماهوی نگرش اصلاحی و برجسته کردن نگرش ترمیمی و بازگرداننده با تصویب قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تعبیه واحدهای مددکاری در معاونت اجرای احکام کیفری و واحد میانجیگری و توجه به اصلاح و سازش و برجسته کردن نهادهای ارفاقی و نهاد شرمساری بازگرداننده در جهت اصلاح و درمان و جلوگیری از برچسب زنی به ظهور و بروز رسیده است، اما پلیس ایران این تفکر و تغییر رویکرد را از سال ۱۳۸۰ به طور فراگیر و همه جانبه با تشکیل معاونت مستقل در بدنه سازمان با مدیریت‌های وابسته همچون مرکز مشاوره و مددکاری، آموزش همگانی، مشارکت، مطالعات و اطلاع رسانی و ... جدای از گفتمان در عمل نیز محقق نموده است. این رهیافت و شیوه جدید پلیسی‌گری بعد از پلیس سنتی و حرفه ای و در کنار آنها برای ورود به جرائم کم اهمیت در زمان وقوع و قبل از آن آثار مطلوب و موثری داشته است اما در جرائم مهم به عنوان مکملی جهت ایجاد تغییرات در تفکر افراد مشرف بر بزه‌کاری و یا باز اجتماعی شدن افراد وارد در فرایند گذار از اندیشه به عمل در کنار پلیس حرفه ای و سنتی متمر ثمر خواهد بود. زمینه ساز پیدایش رهیافت اجتماع محوری در سازمان پلیس، خاستگاه و سیر آن، کشورهای صنعتی همچون انگلستان، فرانسه، آمریکا بر پایه مشارکت اجتماعی پلیس با مردم برای پیشگیری از جرائم و برقراری امنیت اجتماعی است (بیلی، ۱۳۶۹، ترابی، ۱۳۸۲: ۱۱۴، میلر، ۱۳۸۱، شاکری، ۱۳۸۱). شیوه و برنامه پلیس اجتماع محور متنوع بوده و بر اساس شرایط زمان و مکان دستخوش تغییرات می‌گردد. پلیس مازندران با بهره‌گیری از این رهیافت نوین و با فعال سازی اعضای پلیس از طریق جلب مشارکت مردمی و تعامل با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی و سمن‌های (سازمان‌های مردم نهاد) موازی در پیشگیری از جرائم و آسیب‌ها، اجرای طرح‌های پلیس محله محور مانند شورای معتمد پلیس، تعبیه واحدهای مشاوره و مددکاری در کلاتتری‌ها و اجرای طرح مکتا و طرح‌های چهارگانه ارتقاء امنیت اجتماعی (رعد، فاتح، نصرت و ظفر) سعی در ارتقاء احساس امنیت و کاهش ترس مردم و کاهش جرائم و ... داشته است. از این جهت نوشتار درصدد بیان تبلور عملی رهیافت اجتماع محوری پلیس در مازندران و برنامه‌های آن با زیر بنای جرم شناسی و تاثیر آن بر پیشگیری از جرائم و ارتقاء امنیت و احساس امنیت می‌باشد که بدین منظور سوالات محقق ساخته بر اساس طیف لیکرت طراحی که بعد از بازبینی و تایید آن توسط اساتید جرم شناسی، جامعه شناسی و کارشناسان درون سازمانی ناجا از ۳۵۰ نفر نمونه آماری به صورت تصادفی انتخاب که بعد از تکمیل آن به روش مصاحبه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

اهمیت مقاله از آن رو است که نقش رهیافت اجتماع محوری پلیس و گفتمان و دیدگاه های پیشگیرانه آن در ارتقاء امنیت، احساس امنیت و کاهش آثار منفی جرم را به صورت موردی در پهنه استان مازندران به بوته سنجش برده است و در این راستا موانع و چالش های اجرایی رویکرد اجتماع محوری احصاء و پیشنهادات لازم در رفع آن مشخص و تبیین گردید. همچنین تاثیر این رویکرد در ارتقاء امنیت و احساس امنیت و کاهش ترس از جرم مشخص گردید.

ضرورت مقاله نیز برجسته سازی رهیافت اجتماع محوری در سیاست اجرایی پلیس و ابتنای این رویکرد نوین بر نظریه های جرم شناسی و آشنا سازی بدنه پلیس مازندران به ویژه سرانگشتان (کلانتری و پاسگاه ها) و عامه مردم نسبت به این رهیافت بر خلاف تفکری که معتقد به عدم پیاده سازی واقعی این رویکرد در برنامه های پلیس بوده، می باشد. علاوه بر این، به لحاظ عدم بررسی این موضوع به صورت مطالعه موردی در استان مازندران و همچنین بهره گیری از ابزار پرسشنامه در جهت کسب اطلاعات از پلیس و عامه مردم در مورد میزان موفقیت پلیس در طرح ها و برنامه های اجتماع محور ضروری به نظر می رسد. سوال های مقاله عبارتند از:

تا چه میزان اجرای طرح ها و برنامه های پلیس اجتماع محور در استان مازندران در پیشگیری از جرم موفقیت آمیز بوده است؟

مهم ترین چالش و مانع فراروی اجرای کارآمد و موثرتر برنامه های پلیس اجتماع محور در استان مازندران چیست؟

در نهایت فرضیات این مقاله، موفقیت پلیس اجتماع محور در رویکردهای پیشگیرانه را با مطالعات کمی و میدانی در پهنه استان مازندران ثابت نموده است و در پاسخ به سوال دوم می توان به عدم وجود قوانین آمره افتراقی، عدم آموزش و تربیت نیروی متخصص کافی برای اجرای سیاست های اجتماع محوری پلیس و ... اشاره کرد.

مفهوم شناسی

جرم

جرم یکی از مفاهیم انتزاعی و پیچیده است که حقوق دانان، جرم شناسان و جامعه شناسان سال های زیادی سعی در شناخت واقعی آن داشته و دارند و حتی گفته می شود که: بدترین جرم ما جهلمان نسبت به جرم است (عالی پور، ۱۳۸۹، ۱۸۰). این جمله بیانگر اهمیت و سختی تعریف جرم است زیرا با جرم انگاری، آزادی اشخاص محدود و متعاقب جرم انگاری، کیفرگذاری و کیفردهی متناسب ضروری می باشد. با این حال قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم را اینگونه تعریف کرده است: هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود. اما با نگاه به قوانین موضوعه کشور پی به بسط و گسترش مفهوم قانونی جرم و حتی عدول از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها خواهیم برد به گونه ای که



بر فرض مثال در بحث حدود در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۱ مواردی که داخل در قانون مجازات نیستند را به نوعی وارد قلمرو حقوق کیفری نموده است. یا در ماده ۱۲۷ قانون مذکور^۲ که قانونگذار اشعار داشته: «در صورتیکه در شرع مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد به شرح بندهای این ماده است...» همان‌طور که ملاحظه شد تعریف قانونی جرم با اشکالاتی که در مواد فوق به آن اشاره شده مواجه می‌باشد.

پیشگیری از جرم

پیشگیری در منابع معتبر فارسی از لحاظ لغوی به معنای دفع، جلوگیری، مانع شدن و از پیش مانع شدن چیزی تعریف شده است و در منابع فرهنگ لغوی لاتین نیز به معنای مانع ارتکاب عملی تعریف شده است (رجبی پور، ۱۳۸۲: ۷۵). به عبارت دیگر، از منظر لغوی پیشگیری به معنای جلوگیری، دفع، صیانت و مانع شدن و اقدامات و تدابیر حمایتی و حفاظتی و مراقبت‌کننده برای جلوگیری از رویدادها، حوادث و اتفاقات بد و ناخواسته است. از این جهت، پیشگیری یا جلوگیری کردن به معنای پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن، به جلوی چیزی رفتن و هشدار دادن نزدیک‌تر است (زینالی، ۱۳۸۱: ۹۹) و (نسل، ۱۳۹۱: ۱۱۲) و (معین، ۱۳۷۵: ۹۳۳). در معنای اصطلاحی پیشگیری از جرم نوعی تدابیر و اقدامات قهرآمیز و غیرقهرآمیز که باعث کاهش تجاوز و تعدی حاصل از تخلفات، انحرافات و جرائم و یا در صدد از بین بردن آن می‌باشد. در این مفهوم، پیشگیری از جرم در برگیرنده تمامی سیاست‌های دولتی (رسمی) و غیر دولتی (غیر رسمی-جامعوی) است تا آسیب‌ها و تهدیدهای تعدی و تجاوز به رفتارهای غیر اجتماعی (انحراف) و ضداجتماعی (جرم) را کاهش دهد و در نهایت در تلاش برای کاهش ترس از جرم و حتی‌الامکان عاری ساختن جامعه از رفتارهای غیر و ضداجتماعی شود (رجبی پور، ۱۳۸۲: ۱۷). گسن پیشگیری از جرم را مجموعه اقدامات غیرقهرآمیز با هدف محدود کردن دامنه ارتکاب جرم، غیرممکن کردن، مشکل کردن و کم کردن احتمال وقوع جرم تعریف نموده است (گسن، ۱۳۸۵: ۲۷). حال بعد از تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی پیشگیری از جرم، به بعضی از گونه‌های آن اشاره می‌نماییم.

^۱ در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.

^۲ در صورتیکه در شرع مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد مجازات وی به شرح زیر است:

الف: در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دایم است حبس تعزیری درجه دو یا سه

ب: در سرقت حدی و قطع عمدی عضو حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ: در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش

ت: در جرایمی موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم ارتكابی.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بر اساس صدر مقرر اگر در شرع مجازات دیگری برای معاون تعیین شده باشد بایستی مطابق شرع عمل گردد همانند ممسک (نگهدارنده در قتل عمد) که در شرع به عنوان معاون شناخته شده و مجازات حبس ابد دارد. به نظر می‌رسد این رویکرد صدر ماده ۱۲۷ خلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات است.

به طور کلی دو دسته از عوامل، موجب ظهور و بروز اراده مجرمانه می‌شود و رفتار مجرمانه را از مرحله گذر عبور و به مرحله عملیاتی می‌رساند. دسته اول عوامل درونی هستند که شامل علل روانی و شخصی گرایش به رفتارهای مجرمانه است مانند چالش‌های روحی و روانی و دسته دوم عوامل بیرونی هستند که شامل محیط‌های ناسالم و جرم زا، وضعیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و تربیتی می‌باشد که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کند. بنابراین هرگاه وضعیت‌ها، موقعیت‌ها و آماج‌های مختلف مدیریت شوند، به این شکل که علاوه بر مدیریت ریسک جرم، با کنترل و اصلاح علل و عوامل درونی، بیرونی، اجتماعی و زیستی باعث عدم ارتکاب جرم توسط فرد خواهد شد. چالش‌های خانوادگی، وجود خانواده بزه‌کار پرور، اعتیاد، طلاق و ... از جمله عوامل اجتماعی هستند که تاثیر قابل توجهی در افزایش بزه‌کاری مجرمان بالقوه ایجاد می‌کند (میرخلیلی، ۱۳۷۸: ۱۷). پس با توجه به این توضیحات پیشگیری اجتماعی را می‌توان شامل مجموعه تدابیر و اقدامات پیشگیرانه از جرایم دانست که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عوامل درونی و بیرونی است که در تکوین جرائم موثر است (شاکری، ۱۳۸۲: ۱۱). اینگونه از پیشگیری بر مبنای علت شناسی جرائم استوار است که با مداخله زود هنگام و به موقع در محیط‌های اجتماعی مانع از شکل‌گیری انگیزه‌های بزه‌کارانه و خنثی‌سازی عوامل جرم‌زا می‌گردد. هدف در این گونه از پیشگیری هم‌نوا سازی افراد انسانی جامعه با مقررات، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی بوده، در این نوع از پیشگیری که سعی بر آن است با اقدامات آموزشی، تربیتی در صدد اصلاح، تربیت و بازپروری و جامعه‌پذیری افراد برآییم.

پیشگیری وضعی مبتنی بر تغییر وضعیت‌ها و فرصت‌های قبل از جرم است که با تحدید آنها و یا ایجاد مشکل در راه فرصت‌ها، شرایط ارتکاب جرم به‌گونه‌ای پیش رود که یا جرم به طور کلی خنثی شود و یا حداقل مانعی بر سر راه بزه‌کار باشد (بیات، شرافتی پور و عبدی، ۱۳۸۷: ۴۲). این نوع از پیشگیری با توجه به شرایط بزه‌کار، نوع جرم، اهداف و موضوعات جرم و ویژگی‌های بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرآیند آنها موجب از بین رفتن و یا تحدید موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم شود. کاهش و تحدید فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان و محله‌ها مانند نصب دزدگیرها، استفاده از گشت‌های پلیس، روشنایی معابر و ... که در نهایت باعث خطرناک و پرهزینه‌شدن اعمال مجرمانه می‌شود، همراه است (نجفی توانا، ۱۳۸۲: ۵۵).

پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث

هدف اصلی پیشگیری اولیه بر این است که جامعه به عنوان یک مجموعه همراه با عناصر آموزشی- اجتماعی که بیشتر معطوف به نهادهای حمایتی و حفاظتی است، عمل مجرمانه را به طور کلی خنثی سازد (هیوز، ۱۳۸۰: ۳۱). کاربرد اصلی پیشگیری اولیه در انحرافات (ولگردی، تکدی‌گری، خودکشی، اعتیاد به مصرف موادمخدر، هرزه‌نگاری، قماربازی) و جرائم اولیه می‌باشد. در این صورت، با فردی مواجه‌ایم که به آسانی جامعه‌پذیر می‌شود بنابراین در این گونه از



پیشگیری، نهادهایی همچون خانواده، مدرسه، گروه همسالان، آموزش‌های جمعی رسانه‌ای و واحدهای مشاوره‌ای به ویژه پلیس اجتماع محور با عناصر خود در واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها دارای کارکرد اصلی هستند.

در پیشگیری ثانویه تلاش و هدف این است، افرادی که در معرض بزه‌کاری قرار دارند، کنترل شوند بنابراین نمی‌توان صرفاً اقدامات اولیه و خانواده محور و مدرسه محور با رویکرد آموزشی و تربیتی به کار ببریم. به طور مثال در پیشگیری اولیه که پیشتر گفته شد تمرکز بر کودکی است که هنوز هیچ آشنایی با هزینه نگاری (پورنوگرافی) ندارد. نهادهای اجتماعی در تلاش‌اند آسیب‌های جدی ورود به دنیای پورن را آموزش و گوشزد دهند تا وی با شناخت خطرات و آسیب‌ها، به طور کلی وارد سایت‌های مبتذل و مستهجن نشود. اما در پیشگیری ثانویه ما با پسر یا دختر مواجه‌ایم که دیگر متصل به فضای مجازی (اینترنت) است و هر لحظه در معرض خطر ورود به شبکه‌های پورن است. در اینجا تدابیر پیشگیرانه نمی‌تواند و نمی‌بایستی با مدل پیشین یکی باشد. در این نوع از پیشگیری با مثال فردی که هنوز وارد فضای پورنوگرافی نشده با فردی که در معرض خطر ورود به فضای پورن است که به ترتیب پیشگیری اولیه و ثانویه است، اقداماتی نظیر کنترل، خنثی‌سازی، موقعیت سوزی و ... را بایستی انجام داد (رجب زاده چناری، ۱۳۹۹: ۲۱). در این گونه از پیشگیری، افراد در معرض آسیب، چالش، خطر، انحراف و جرم را بایستی توسط نهادهای رسمی و غیر رسمی همچون پلیس مشاور شناسایی و اقدامی به موقع انجام داد.

در مرحله پیشگیری ثالث، توجه و تمرکز اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از تکرار جرم، بازسازی بزه‌کاران و عودت آنها به جامعه و در نهایت جامعه‌پذیری آنها است. در این مرحله اقدامات و تدابیر کیفی (قهرآمیز) و غیر کیفی (غیر قهرآمیز) توأمان مطرح و اعمال می‌شود. به طور مثال، در مورد هزینه‌نگاری که وارد سایت‌های پورنوگرافی شده هم مداخلات و اقدامات جامعه محوری مانند مشاوره و همچنین مداخلات کیفی نهادهای عدالت کیفری را داشته باشیم. هدف در پیشگیری ثالث این است که از وقوع جرائم ثانویه به کمک نهادهای جامعه‌ی و غیر رسمی و نهادها و سازمان‌های رسمی همچون واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری‌های نیروی انتظامی جلوگیری گردد و در مورد مجرمین اولیه نیز با اعمال سیاست‌های بازپرورانه، زمینه اصلاح و تربیت و همنوایی با جامعه و فرهنگ عامه ایجاد گردد. به عبارت دیگر، در این مرحله از پیشگیری، که مرحله سوم از مراحل سه‌گانه پیشگیری است، کوشش می‌شود تا بزه‌کاران قدیمی که حداقل یک مرتبه مرتکب جرم شده‌اند با محیط اجتماعی (جامعه) سازگاری بیشتری پیدا کنند (زینالی، ۱۳۸۱: ۱۰۲) و با مداخله در بازسازی و اصلاح و تربیت مجرمانی که مرتکب جرم شده و محکوم گردیده‌اند، از تکرار جرم آنها پیشگیری به عمل آید. در نهایت ذکر این نکته ضروری است که منظور اصلی مقاله از پیشگیری، پیشگیری اجتماعی می‌باشد. کما اینکه هدف و نفس اصلی پلیس اجتماع محور مبتنی بر رویکردهای پیشگیرانه اجتماعی است.

واژه پلیس سال‌ها با سرکوبی جرم، و سرکوبی مجرم همراه بوده و بدین جهت، نقش پلیس به صورت سنتی صرفاً در چارچوب نظام کیفری تصور می‌شده است اما به موازات پیشرفت‌های علوم جنایی پیرا حقوقی و تاکید این علوم نوین بر اثر پیشگیرانه در کاهش میزان جرائم و پذیرش نهاد پیشگیری به عنوان قلمرو جدید سیاست جنایی در کنار قلمرو سنتی آن، یعنی سرکوبی از جهت دیگر، شکل جدیدی از ماموریت و وظیفه پلیس در آغاز سال‌های ۷۰ میلادی ایجاد و مطرح شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۴۱) که تحت عنوان سیاست جنایی مشارکتی مطرح است و پیرو این سیاست جنایی مشارکتی، رویکرد جدیدی تحت عنوان پلیس اجتماع محور به وجود آمد و از قبیل این رویافت، عناوین متعددی چون پلیس محلی، پلیس ترمیمی، پلیس مسئله محور به وجود آمدند که اقدامات این رویکردهای نوین بر دو اصل اساسی استوار است که عبارتند از: تمرکز جدی روی دخیل کردن و مشارکت مردم در امورات مختلف جامعه و همچنین استفاده موثرتر از بدنه اجرایی پلیس بر خلاقیت آنان و ارتباطات تنگاتنگ مردم.

اندیشه پلیس اجتماع محور به نوعی منبعث از نظریه پنجره‌های شکسته و مکتب تعامل‌گرا بوده که در همه جرائم خصوصاً جرائم امنیتی و مهم مانند قتل و نسل‌کشی کاربرد نداشته ولیکن در جرائم کم‌اهمیت‌تر تا حدود زیادی می‌تواند باعث جلوگیری از ورود بزه‌کار به چرخه عدالت کیفری و برچسب زنی و تبدیل مجرم اولیه و غیرحرفه‌ای به مجرم ثانویه و حرفه‌ای گردد (رجب زاده چناری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸-۱۹).

قسمت‌های تخصصی و معاونت اجتماعی پلیس ایران با نگرش اجتماع‌محوری و در جهت تحقق بند ۱۸ ماده ۴ قانون ناجا از سال ۱۳۷۸ شکل گرفت تا بتواند زمینه شکل‌گیری اهداف اجتماعی و جامعه‌ی پلیس را محقق کند (بیات، شرافتی پور و عبدی، ۱۳۷۸: ۱۵۰). و در این رویافت، پلیس با بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی با ارائه آموزش‌های همگانی، ارتباط با مدارس و به طور کلی فعالیت در محیط‌های اجتماعی توانسته پیشگیری رشد مدار و جامعه مدار را محقق نماید.

پلیس مسئله محور روشی از آسیب‌شناسی امنیت عمومی است که بر درک و موفق آمدن بر چالش‌ها و مشکلات اجتماعی توجه و تمرکز دارد و در آن نهادهای دیگری علاوه بر پلیس مانند سازمان‌های غیردولتی و شهروندان (مردم محلی) نقش محوری دارند. در این دیدگاه فرصتی برای ادامه همکاری بین پلیس و نهادهای عمومی و اعضای جامعه فراهم می‌آید (چالوم و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۴).

بدون شک پلیس به‌عنوان یکی از اولین نهادهای درگیر در مقابل پدیده مجرمانه که مورد اعتماد بسیاری از بزه‌دیدگان است، می‌تواند نقش مهمی را در اجرای عدالت ترمیمی ایجاد کند (میرزایی و مسعودی، ۱۳۹۰: ۸۴). بنابراین مراکز پلیس به عنوان نهادی که به طور مستقیم با پدیده جرم (بزه) در ارتباط است، بایستی پیش از سایر نهادهای رسمی و جامعه‌ی پاسخگوی کاستی‌های مربوط به عدالت ترمیمی باشد (رایجیان اصلی و تندرو، ۱۳۹۶: ۳۶۶) واحدهای مشاوره در کلانتری‌ها و یا به‌طور کلی رویکرد مصالحه‌ای و سازشی در پلیس جمهوری اسلامی ایران بیانگر



نوعی جدید از پلیس جامعه محور تحت عنوان پلیس ترمیمی است که اقدامات آنها به صورت خودجوش نه سازمان یافته و تنها در جرائم قابل گذشت یا حداقل در جرائم خرد غیر قابل گذشت به اجرای این شیوه پرداخته است. نبود سیاست‌های کلان و خرد و یا محلی در پلیس ایران یکی از چالش‌های عمده است که پلیس را در روند نهادینه کردن اجرای عدالت ترمیمی با کندی مواجه کرده است، هرچند اجرای عرضی و سلیقه آن همواره مورد تایید مردم بوده است. (دالوندی، ۱۳۸۸: ۳۳).

از این رو فلسفه وجودی پلیس ترمیمی مبتنی بر این باور است که پلیس و جامعه در کنار یکدیگر کارهایی مانند ارجاع طرفین به میانجیگری از طریق مقامات قضایی و یا انجام میانجیگری و برقراری صلح و سازش و امنیت را انجام دهند (عسگری نیا سر، ۱۳۸۸: ۱۴). پلیس سنتی از بالا (دولت) به پایین (بزهکار) می‌پردازد اما پلیس ترمیمی به صورت افقی و توافقی به موضوع می‌نگرد و توافقی شدن اختلاف در مرحله پیش‌دادرسی را که احتمال حل و فصل نیز هست را محقق می‌سازد (رجب زاده چناری، ۱۳۹۹: ۳۶) که این الگو بر پایه رهیافت پلیس اجتماع محور می‌باشد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کمی اقدام به تهیه پرسشنامه‌ای محقق ساخته با ۳۴ سوال بر اساس طیف لیکرت نموده که مورد بازبینی و تایید توسط اساتید علوم اجتماعی، حقوق جزا و جرم شناسی و کارشناسان انتظامی قرار گرفته است. بدین صورت که سوالات مندرج در پرسشنامه فرضیات تحقیق را پاسخ خواهند گفت. سپس پرسشنامه محقق ساخته بعد از تایید استادان گرامی و کارشناسان انتظامی در سراسر استان مازندران به روش مصاحبه تکمیل گردید. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و حجم نمونه ۳۵۰ نفر می‌باشد که جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss استفاده گردیده است. در این روش ابتدا به توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه تحقیق و سپس از اشکال و جداول به منظور توصیف متغیرهای اصلی تحقیق بهره گرفته شده است. سپس نتایج تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار استنباطی نظیر آزمون تی-تک‌نمونه‌ای و آزمون دو جمله‌ای استفاده شده است. بنابراین گزارش این قسمت در سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول ابتدا توصیف پاسخ‌دهندگان (مشخصات دموگرافیک یا جمعیت شناختی) برای اینکه سیمای آماری پاسخ‌دهندگان با نمونه آماری مطابقت داشته باشد.

جامعه آماری پژوهش پهنه استان مازندران بوده که از آن نمونه‌آماري ۳۵۰ نفر انتخاب گردید. داده‌های لازم به طور تصادفی از بین پلیس، قضات، اساتید دانشگاه، مسئولین و مردم عادی با مراجعه به محل کار، محل زندگی، خیابان، تفرجگاه‌ها علی‌رغم مشکلات فراوان مکانی و زمانی از سراسر استان مازندران و در شهرستان‌های رامسر، تنکابن، چالوس، نوشهر، نور، محمودآباد، آمل، فریدونکنار، بابل، قائمشهر، سوادکوه، جویبار، ساری، نکا، بهشهر، گلوگاه با تکمیل پرسشنامه به شیوه مصاحبه از پاسخ‌دهندگان اخذ گردیده است.

بخش دوم آن به ارائه داده‌های تحلیلی و بررسی قبول یا رد فرضیات تحقیق با استفاده از روش‌های آماری خواهد پرداخت و نهایت در بخش یافته‌های تحلیلی (استنباطی) نیز به کمک آزمون‌های آماری به آزمون و سنجش هر یک از فرضیات تحقیق پرداخته شده است. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولمو-گروف-اسمیرنوف استفاده شده است که به دلیل رد شدن فرض صفر، جهت بررسی فرضیه اصلی بجای آزمون‌های پارامتری، از آزمون‌های ناپارامتری (آزمون دو جمله‌ای) استفاده شده است. که با بررسی‌های به عمل آمده و استفاده از آزمون‌دوجمله‌ای که از آزمون‌های ناپارامتری است فرضیه اصلی پژوهش یعنی میزان موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های پلیس اجتماع محور در استان مازندران در پیشگیری از جرم با طیف و مقیاس تا حد زیادی اثبات گردیده که این امر یعنی تایید فرضیه پژوهشگر در بیان نظریه موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های پلیس اجتماع محور در پیشگیری از جرم در پهنه استان مازندران می‌باشد.

پیشینه تحقیق

رجب زاده و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «پیشگیری از وقوع جرائم ثانویه در پرتو برنامه‌های پلیس اجتماع محور (مطالعه موردی در شهرستان بابل)» با اشاره به رویکرد پلیس اجتماع محور معتقدند: علت اصلی ارتکاب جرائم ثانویه به وجود وضعیت سابق برای ارتکاب اولیه جرم و عدم پذیرش آنان توسط جامعه به دلیل برجسب موجود، پایین بودن قبح رفتار ارتكابی خود از رفتار مجرمین یقه‌سفید، تشکیل خرده‌فرهنگ منحرفانه، عادی شدن، تقویت خود انگاره منفی و تبدیل مجرم اولیه به ثانویه می‌گردد که وجود پلیس اجتماع محور در نظام عدالت کیفری ایران با اجرای برنامه‌های خود در قالب طرح‌های سازمانی می‌تواند نقش موثری را در پیشگیری از جرائم کم اهمیت، اولیه و ثانویه ایفا نماید. تقسیم بندی جرایم به اولیه و ثانویه در نوع پاسخ‌دهی به جرایم اولیه که نقش پلیس اجتماع محور را برجسته می‌کند و از این جهت که مقاله رجب زاده و همکاران به این موضوع توجه کردند قابل تامل است و مقاله حاضر نیز درصدد بررسی میزان موفقیت رویکرد اجتماع محوری پلیس در پیشگیری از جرایم در پهنه استان مازندران می‌باشد.

مقدسی، میرزایی و غنی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آئین‌دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران» با اشاره به پلیس اجتماع محور معتقد هستند که تحقق و اجرای عدالت ترمیمی به عنوان الگویی در کنار عدالت کیفری سنتی (سزادهنده) با اهداف چندگانه‌ای از جمله ترمیم خسارت بزه‌دیده، آشتی بین بزه‌دیده و بزه‌کار و بازگرداندن انسجام گسسته شده حاصل از وقوع جرم، منوط به اجرا و موفقیت طرح پلیس اجتماع محور در سازمان پلیس با تغییر نگرش و تغییر راهبرد از سیاست‌های سخت‌گیرانه به سیاست‌های جنایی مشارکت محور میسر خواهد بود چرا که پلیس به عنوان اولین نهاد مرتبط با بزه‌دیدگان پس از وقوع جرم، نقش مهمی در اجرای برنامه‌های عدالت دارد. بنابراین اهمیت لزوم اعطای اختیارات قانونی به پلیس، تامین منابع انسانی آموزش دیده، اهتمام به مباحث جامعه‌محوری پلیس و التفات به اجرای حقوق شهروندی ضروری می‌باشد و پلیس ایران در این راستا با تعبیه واحدهای مشاوره و



مددکاری و مصالحه و سازش پرونده‌ها اقدام موثری داشته است. پلیس مازندران نیز مطابق داده‌ها و مطالعات میدانی پژوهش حاضر توانسته با تاسی از برنامه‌های ترمیمی در رویکرد نوین و مصالحه پرونده‌ها، موفقیت خود را در طرح‌های اجتماع محوری به اثبات برساند.

طالع‌زاری، گلدوزیان و ابراهیمی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «کارکرد شناسی تحولات پلیس در زمینه پیشگیری از جرم» با اشاره به پلیس جامعه‌محور، مساله‌محور، پلیس متمرکز بر مناطق جرم خیز، معتقد هستند دلیل عدم تکافوی الگوی سنتی در پیشگیری از جرایم، پلیس وارد مرحله‌ای نوین شده و تمرکز خود را از اتکا به ابزارهای سرکوبگر صرف، واکنش سریع و گشت تصادفی، به تحلیل مسائل جنایی برای یافتن راهکارهای پیشگیرانه غیرسرکوبگر تغییر داده است. در این رویکرد پلیس علاوه بر بهره‌گیری از ابزار کیفری، از مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی برای کنترل عوامل مولد جرم استفاده می‌نماید و پژوهش حاضر نیز بهره‌گیری پلیس مازندران از سیاست جنایی مشارکتی و تاثیر ارتباط دوسویه پلیس و مردم را در پیشگیری از جرم تایید نموده است.

بیابانی و روحزاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تاثیر خلاقیت و شیوه‌های نوآورانه دانش پلیسی در پیشگیری و کشف جرم» با اشاره به پلیس جامعه‌محور معتقد هستند که اولین رویکردهای جدید پلیس برای ورود به عرصه نوآوری و خلاقیت و به تبع آن تاثیر آن در پیشگیری از جرائم و کشف جرم، پلیس جامعه‌محور است که شیوه‌های آن متنوع و اغلب در طول زمان دستخوش تغییرات شده است. در این نگرش، وظایف پلیس گسترده‌تر و شامل پیشگیری، حل اختلافات، ارائه خدمات از طریق حل مساله و همچنین فعالیت‌های دیگر شده‌اند نظریه‌پردازان معتقدند که علت افزایش جرم و جنایت به دلیل وجود روابط و رفتار سرد میان پلیس و اجتماع می‌باشد و برای کاهش جرائم ضمن بکارگیری روش پلیس اجتماع محور و بهره‌گیری از توان اجتماعی، روزآمدی و بهره‌گیری از خلاقیت و شیوه‌های نوآورانه و تکنولوژی در ماموریت‌ها توصیه می‌شود. نوشتار حاضر نیز برنامه‌های اجتماع محوری پلیس مازندران و نقش و تاثیر روابط گرم و صمیمانه بین پلیس و مردم را در این برنامه‌ها (طرح‌های شورای معتمد پلیس، مکنای، واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها) را در پیشگیری از جرائم مثبت ارزیابی نموده است.

عابدی نژاد (۱۳۹۵) در رساله دکتری خود تحت عنوان «ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های انتظامی کنترل جرم در ایران از منظر شاخص‌های پلیس اجتماع محور» با اشاره به رویکرد پلیس جامعه‌محور معتقد است که تحقق این رویکرد به دلیل کثرت فرهنگ و وجود موانع قانونی در ایران با چالش جدی روبرو بوده و علی‌رغم اشاره به رویکرد نوین در گفتمان پلیس، در عمل این رویکرد تحقق نیافته و طرح‌های انجام گرفته از سوی پلیس ایران، انتظامی و صرفاً در راستای رویکرد پلیس سنتی در چرخه عدالت کیفری برای اقتدارگرایی و برخورد با مجرمان بوده است. اما نوشتار حاضر به این نتیجه دست یافته است که رویکرد اجتماع محوری پلیس نه تنها در گفتمان بلکه در عمل نیز با اجرای طرح‌های تمرکزی و غیرتمرکزی و بر مبنای سیاست جنایی مشارکتی با زیر بنای جرم‌شناسی پیشگیرانه به منصف ظهور رسیده است.

گریفیس (۲۰۱۹) در مقاله خود تحت عنوان «پلیس و امنیت جامعه در جوامع شمالی کانادا: چالش‌ها و فرصت‌ها برای پیشگیری از جرم» معتقد است اگرچه در ادبیات نو ظهور، تحقیقاتی در مورد پلیس روستایی وجود دارد، در مورد پلیس در جوامع کوچک در سرزمین‌های کانادا که عمدتاً ساکنین آن را افراد بومی تشکیل می‌دهد، کمتر شناخته می‌شود. این جوامع غالباً در مناطق جدا شده جغرافیایی قرار دارند و تحت شرایط سخت آب و هوایی قرار دارند و ممکن است آمار بالای جرم و اختلال را تجربه کنند. در این مقاله با استفاده از مصاحبه‌های انجام شده با افسران پلیس سواره نظام سلطنتی در دو ناحیه کانادایی یوکان و نوناووت، اقدامات پلیس در جوامع شمالی و چگونگی تأثیر این اقدامات و تلاش برای ایجاد ابتکارات پایدار و مؤثر پیشگیری از جرم بررسی شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که انزوای جغرافیایی، مشکلات اجتماعی و سابقه بی‌اعتمادی پلیس، همراه با ساختاری که از طریق آن خدمات پلیس ارائه می‌شود، چالش‌های مهمی را برای توسعه و پایداری ابتکارهای پیشگیری از جرم ارائه می‌دهد. با این حال، محیط‌های بی‌نظیر جوامع شمالی نیز فرصت‌هایی را برای ایجاد مشارکت پلیس و جامعه ایجاد کرده است که بر اساس اعتماد متقابل ایجاد شده و می‌تواند زمینه ساز برنامه‌های مؤثر پیشگیری از جرم باشد. بنابراین ارتباط و تعامل پلیس با مردم و ایجاد اعتماد در مردم، زمینه‌ساز مشارکت بیشتر مردم با پلیس و به تبع پیشگیری از جرم خواهد بود و خلا این مورد در محیط‌های جغرافیایی دور و منزوی که پلیس با آنان ارتباط حداقلی داشته، مشهود می‌باشد که در پژوهش حاضر نیز این رهیافت اجتماع محوری، بر پایه سیاست جنایی مشارکتی و با بهره‌گیری از طرح‌هایی چون شورای معتمد پلیس که نتیجه آن اعتمادسازی بین مردم و پلیس و اولویت‌بندی مسائل و مشکلات محله‌ها و تلاش جمعی برای رفع آنها بوده، به ظهور و شکوفایی رسیده است.

دلبرت (۲۰۱۷) در کتابی تحت عنوان «پیشگیری از جرم» با اشاره به رویکرد نوین پلیس، معتقد است که پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد سنتی مؤثر نبوده و می‌بایستی پلیس از رویکرد نوین پلیس یعنی پلیس اجتماع محور، مساله محور و برپایی گشت‌ها در نقاط آلوده در امر پیشگیری از جرم کمک گیرد چرا که در رویکرد پلیس اجتماع محور و مساله محور، اعضاء پلیس به تعامل و ارتباط با مردم محلی و تبادل اطلاعات و شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات منطقه با کمک اعضای همان محله‌ها مبادرت به پیشگیری از جرم می‌نمایند و نتیجه آن نیز مؤثر می‌باشد. در مقاله حاضر نیز برنامه‌های اجتماع محوری پلیس در قالب طرح‌هایی چون شورای معتمد پلیس (اولویت بندی مسایل اجتماعی محله‌ها)، طرح‌های چهارگانه ارتقاء امنیت اجتماعی، طرح تعبیه واحدهای مشاوره و مددکاری و... مورد ارزیابی قرار گرفته است.



مبانی نظری پژوهش نظریه حداقلی حقوق کیفری

کنش‌ها و اقدامات افراد در یک جامعه نیازمند واکنش‌های متناسب است. به عبارت دیگر واکنش اجتماعی پاسخی است که به خاطر کنشی به منصف ظهور می‌رسد. در گذشته و در دوران کلاسیک اصولا واکنش‌ها از نوع سخت و در قالب مجازات‌های خشن بود که مصادیق آن شلاق، اعدام، به صلیب کشیدن، انداختن در مواد مذاب، حبس‌های طولیل المدت و ... بود. اما با ظهور و بروز مکاتب جدید و نگاه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی این نگرش دچار دگردیسی شده، به گونه‌ای که می‌توان گفت سکوت و عدم پاسخگویی خود مبین پاسخی درخور و شایسته است. که این نوع گزینش در جرائم خرد و کم‌اهمیت کارآمد می‌باشد (غلامی، ۱۳۸۳: ۱۵) و (غفاری چراتی، ۱۳۹۹: ۸۵). فرض کنید پسر یا دختری در سیستم رایانه‌ای خود دو فیلم مبتذل نگهداری می‌کنند، یا دختر نوجوان در خیابان بدحجاب است، یا پسری از ناچاری ولگرد یا تکدی‌گر است. قانون مجازات و حقوق کیفری اصولا برای این دسته از افراد مجازات کیفری در قالب حبس، جزای نقدی و شلاق در نظر می‌گیرد و این افراد منحرف را وارد چرخه عدالت کیفری می‌کند و به جهت انجام یک رفتار منحرفانه به آنها برچسب مجرمانه می‌زنند. این نوع پاسخ نظام عدالت کیفری بیانگر اقتدارگرایی، امنیتی‌بودن سیاست جنایی و در نهایت انگ مجرمانه به شخص منحرف است (رجب زاده چناری، ۱۳۹۹: ۴۹). نوشتار حاضر با نگاه چندبعدی و فراحقوقی و با توجه به آموزه‌های جرم‌شناختی معتقد است قانون مجازات بایستی با نگاه حداقلی وارد چرخه کیفری شود و از زرادخانه حقوق کیفری‌اش تا جایی که امکان دارد استفاده نکند مخصوصا در جرایم خرد و کم‌اهمیت که تالی فاسد آن حذف پاسخ‌های جامعه‌ی و پیشگیرانه است. نظریه حداقلی پاسخ‌های کیفری ضمن احترام به پاسخ‌های قاطعانه قانون مجازات در جای خود در جرایم با اهمیت و مهم معتقد به استفاده از پاسخ‌های حداقلی و از نوع جامعه‌ی در جرایم کم اهمیت و خرد می‌باشد. به نظر می‌رسد این نظریه تعادلی می‌باشد و ضمن استفاده لازم از پاسخ‌های کیفری، از پاسخ‌های اجتماعی نیز با رویکرد سیاست جنایی مشارکتی نهایت استفاده را می‌نماید. در نهایت با توجه به تعادلی بودن نظریه فوق، به سیاست‌گذاران جنایی پیشنهاد می‌شود از نگاه تسامح و تساهل صفر خارج و از نهادهای اجتماع محور مانند پلیس اجتماع محور که محور نوشتار حاضر است، استفاده گردد.

نظریه عدالت ترمیمی

عدالت یکی از اساسی‌ترین مفهوم در اخلاق، سیاست و حقوق است که عالی‌ترین نمود عینی آن در دنیای حقوق کیفری متبلور شده است. هدف عدالت ترمیمی احیا و بازسازی روابط افراد است؛ بنابراین عدالت ترمیمی ذاتاً به دنبال صلح و سازش میان افراد مختلف در یک جامعه است (شیری، ۱۳۸۵: ۷). عدالت ترمیمی از سال ۱۹۸۰ میلادی و با تکیه بر رویکرد نوین یعنی بزه‌دیده محوری پا به عرصه وجود گذاشت و معتقد است تمام مکاتب کیفری گذشته با به حاشیه راندن بزه‌دیده و دادن نقش انفعالی به وی، پایه را کج نهادند. عدالت ترمیمی ساختار فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند (پیروز، سماواتی ۱۳۸۵: ۱۹) عدالت

ترمیمی، فرصت و مناسبات حل و فصل جمعی اختلافات ناشی از ارتکاب یک جرم است و استلزامات آن را، در آینده تشویق و ترغیب می‌کند (عباسی، ۱۳۸۲: ۲۴) به عبارت دیگر، عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن درباره جرم و چگونگی پاسخ به آن است (غلامی، ۱۳۸۵: ۷). عدالت ترمیمی گونه‌ای شفا بخش برای از بین بردن درد و رنج است. ذات اصلی یا اساسی عدالت ترمیمی پیرامون رنج‌های بزه‌دیده و چگونگی ایجاد تشریفی خاطر بزه‌دیده می‌باشد (سلیمان پور شیر، ۱۳۸۶: ۱۸۰). در واقع نظام عدالت کیفری ترمیمی الگوی بزه‌دیده محور است که دارای نتایج مثبت و مطلوبی همانند صلح و سازش دعاوی است. از جهتی می‌توان گفت عدالت ترمیمی در پاسخ به ضعف‌های عدالت کیفری سنتی ظهور کرده است و دارای روشی مشارکتی بزه‌دیده، بزه‌کار، جامعه محلی و جامعه در سطح کلان (جامعه ملی) برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات با تاکید بر حقوق بزه‌دیده است. در سالهای اخیر و بعد از ظهور و بروز رهیافت‌های ترمیمی، پلیس با به کار بردن برنامه‌های عدالت ترمیمی به حل و فصل مشارکتی مسائل و اختلافات کیفری پرداخته و نقش قابل توجهی را در نظام عدالت کیفری به خود اختصاص داده است. در واقع می‌توان گفت نظام عدالت ترمیمی مبنای شکل‌گیری الگوی پلیس ترمیمی که از گونه‌های پلیس اجتماع محور است محسوب می‌شود. پلیس اجتماع محور با ابزار و اهرم‌های مشارکتی به صلح و سازش و میانجیگری میان طرفین دعوا در امور کیفری می‌پردازد و به صراحت می‌توان گفت یکی از مبنا و اساس اصلی پلیس اجتماع محور رهیافت‌های عدالت ترمیمی بوده که متعاقب ترمیمی شدن حقوق کیفری، پلیس نیز به این گفتمان روی آورده است و می‌تواند اساس و مبنای بسیاری از مناقشات همین سیاست مشارکتی باشد. به نظر واحدهای مشاوره و مددکاری و کلیه نهادهایی که در پلیس جمهوری اسلامی ایران با هدف پیشگیری از جرم، صلح و سازش، عدم ارجاع پرونده به دستگاه قضایی و کلیه آموزش‌های همگانی مصداق بارز نظریه عدالت ترمیمی در رویکرد اجتماع محوری پلیس است.

نظریه برچسب زنی (انگ مجرمانه)

اساس این نظریه را باید در کتاب آسیب شناسی اجتماعی اثر جامعه‌شناس آمریکایی بنام ادوین لمرت پیرامون «نظریه انحراف ثانوی» و کتاب جامعه‌شناسی انحراف اثر هوارد بکر پیرامون «انحراف در جامعه» جستجو نمود. مبنا و اساس نظریه برچسب‌زنی، مبتنی بر تصمیمات و ایجاد ممنوعیت‌ها و جرم‌انگاری در پوشش قوانین، توسط گروه حاکم بر جامعه نسبت به عده‌ای خاص و اجرای قوانین و ضمانت اجرای کیفری با نصب برچسب مجرم می‌باشد. جرم در واقع محصول کارخانه قانونگذاری است که بر اساس مفاهیم قراردادی ناشی از دیدگاه صاحبان قدرت از رفتار تعیین می‌گردد. بنابراین مشخص کردن اینکه چه چیزی جرم می‌باشد توسط مأمورین رسمی و افرادی که دارای قدرت برچسب‌زنی می‌باشند صورت می‌گیرد (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ۹۱-۹۲). به عبارت دیگر، پاسخ دهی رسمی، صریح و دولتی به اعمال غیراجتماعی، انگ مجرمانه و برچسب‌زنی را به دنبال خواهد داشت.



در مطالعات روان‌شناسی اجتماعی توصیه می‌گردد که از انتساب صفات زشت به افراد اجتناب شده و تنها عمل شخص مورد واکنش قرار گیرد و نه تمامیت مادی و معنوی او؛ هدف از این توصیه‌ها و تلاش‌ها، جلوگیری از ترذیل شخصیت و توسل به تدابیری انسانی‌تر، ملایم‌تر و شایسته‌تر است تا حالت تدافعی در شخص کم‌رنگ شده و فرآیند اصلاح، درمان و همنوایی او آسانتر انجام گیرد (ستوده، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

مطابق نظر ادوین لمرت فرد برچسب خورده ممکن است تصویر داده شده از سوی دیگران را بپذیرد و براساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر دهد و فرد برچسب را به عنوان یک هویت واقعی می‌پذیرد و این مسأله اغلب منجر به الحاق فرد به یک خرده فرهنگ منحرف با انحراف بیشتر می‌گردد که محصول شیوه زندگی خرده فرهنگی است و در نتیجه منحرف اولیه به منحرف ثانویه و حرفه‌ای تبدیل می‌شود، البته در کنار این تغییر برداشت از هویت تعیینی از سوی جامعه و ایجاد باور در شخص، نبود فرصت و عدم ورود شخص در فرهنگ عامه و عدم دستیابی به شغل در جهت کسب درآمد برای جبران گذشته و گذران زندگی نیز در تقویت این باور مؤثر می‌باشد.

هوارد بکر نیز با بیان مفهوم خصوصیت برتر و دسته‌بندی نشانه‌های محوری شناسایی مردم به دو گروه ویژگی‌های اولیه (خصوصیت برتر) و ویژگی‌های ثانویه (خصوصیت تبعی) در صدد تبیین نظریه برچسب‌زنی برآمده است. خصوصیت و نشان برتر همان نشانی است که بعد از برچسب مجرمانه از سوی اجتماع و دستگاه عدالت کیفری به شخص داده می‌شود که این نشان و خصوصیت برتر باعث می‌شود که مجرم مشکل بتواند به عنوان فردی قابل اعتماد در نظر آید (ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۰۹).

در واقع با کنار هم گذاشتن نظرات لمرت (انحراف ثانویه)، بکر (خصوصیات برتر)، ایجاد تصور جدید از مجرم توسط خودش به لحاظ برجسته نمودن عنوان مجرمانه توسط جامعه و تقویت باور در مجرم نسبت به اکتساب این عنوان از باب فنانی عنوان در معنوی به مثابه نمایش چهره فرد در آینه بر اساس نگرش و تفکر جدید فرد و جامعه و برتر شدن خصوصیت مکتسبه و از دست دادن فرصت ورود به فرهنگ عامه و عدم دستیابی به فرصت‌های شغلی و اقتصادی و به ناچار ورود به خرده فرهنگ منحرفانه قابل تأیید می‌باشد.

بنابراین چارچوب نظری این مقاله با بهره‌گیری از مبانی نظری مطروحه و در پی بیان برنامه‌های اجرایی پلیس اجتماع محور در استان مازندران در راستای گرم‌تر کردن و نزدیک‌تر کردن روابط پلیس و مردم و دستیابی به ارتقاء احساس امنیت و کاهش ترس مردم از جرم می‌باشد. همچنین چارچوب کلی مبتنی بر ورود حداقلی ابزار و اهرم‌های حقوق کیفری و استفاده حداکثری از ابزار و اهرم‌های مشارکتی و ترمیمی از جهت جلوگیری از انگ مجرمانه است.

گستره اجرایی برنامه‌های پلیس اجتماع محور

برنامه‌های پلیس اجتماع محور بر اساس شرایط و اوضاع و احوال مکانی و زمانی با بهره‌گیری از قوانین و مقررات جاری کشور و بر اساس تدابیر فرماندهی معظم‌کل قوا و فرمانده ناجا به دو صورت کلی به شرح ذیل تنظیم و تدوین می‌گردد:



الف- طرح تمرکزی: این طرح‌ها در کتاب جامع عملیاتی به عنوان طرح‌های مشترک و سراسری به طور همزمان در تمام استان‌ها و مناطق کشور اجرا می‌گردد، مانند: طرح استقرار واحدهای مشاوره و مددکاری در کلانتری‌ها، طرح شورای معتمد پلیس، طرح مکنّا و ...

الف-۱ طرح استقرار واحدهای مشاوره و مددکاری: این طرح بر اساس رویکرد ترمیمی و بر اساس منابع اصیل اسلامی و فقهی در قالب سازش و قاضی تحکیم کاربرد داشته (توسلی جهرمی، ۱۳۸۱: ۱۲۸) و تبلور و انتخاب این گرایش توسط طرفین اختلاف، نشانگر رضایت آنها در انتخاب رسیدگی غیر رسمی است (باقری، ۱۳۸۱: ۴). آغاز رویکرد عدالت ترمیمی در کشورهای آمریکایی، استرالیا و زلاندنو در شکل‌های متنوع آن مانند میانجیگری، نشست‌ها یا جلسات گروهی خانوادگی و ... معمول شد و پلیس این کشورها نیز سعی نمودند تا از این ابتکار در حل اختلافات کیفری سبک و کم اهمیت استفاده نمایند (دلماز مارتی، ۱۳۸۱: ۳۱). عدالت ترمیمی و این شیوه نوین رسیدگی غیررسمی به معنای الغای مفهوم جرم و عناصر کلیدی نظام‌های عدالت کیفری دولتی نیست بلکه با حفظ آن باعث انتقال قدرت موضوعی و موضعی از نظام‌های دولتی به جامعه مدنی می‌گردد (بریث ویت و همکاران، ۱۳۸۵، ۵۶۴-۵۶۵). تبلور واقعی این سیاست و رویکرد از سال ۱۳۸۰ در مجموعه‌های پلیس ایران با رویکرد اجتماع محوری به شکل فعالیت مراکز مشاوره در مرکز استان‌ها و واحدهای مشاوره و مددکاری در کلانتری‌ها بوده است که توانسته در سال ۱۳۹۸ با حل و فصل بیش از ۷۸ درصد پرونده‌های ارجاعی کلانتری‌های استان مازندران، این رهیافت نوین را به منصفه ظهور برسانند (رجب زاده چناری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹). ولیکن در این مسیر با مشکلات جدی و مهمی همچون عدم اختیار تشکیل تعداد جلسات مصالحه و دعوت و احضار افراد غیردرگیر برای تحقق ترمیم روابط گسسته روبرو می‌باشد که لزوم قانونگذاری افتراقی در این مورد را طلب می‌نماید.

الف-۲ طرح شورای معتمد پلیس: این طرح در جهت جلب مشارکت بیشتر مردم در حل مشکلات محله به صورت محله‌محور و در قالب بهره‌گیری از مردم محلی از سال ۱۳۹۳ در حوزه سرزمینی کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها به صورت هر پانزده روز دو مرتبه با پیگیری مصوبه‌های آن اجرا می‌شود. گردانندگان اصلی این طرح مردم محلی بوده و پلیس به عنوان یک عضو در آن حضور داشته که در نهایت با تصمیم‌گیری اعضا اولویت مسئله و مشکل آن محله مشخص و برنامه‌ریزی در جهت پیشگیری و حل آن انجام می‌گیرد (دستورالعمل صادره از معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۹۳).

الف-۳ طرح مکنّا: این طرح به معنای مدیریت کیفیت ناجا است. بیشتر در سال ۱۳۹۱ در یگان‌های انتظامی خصوصاً کلانتری‌ها و سپس پاسگاه‌ها پیرو رویکرد پلیس اجتماع‌محور به منظور از بین بردن و یا کاهش ترس از جرم و ارتقای احساس امنیت و رویارویی با نتایج و آثار بزه‌دیدگی و جلوگیری از بزه‌دیدگی مضاعف و جرائم ثانویه ظهور و بروز یافته است. این طرح مشتمل بر مولفه‌هایی همچون خوشایندسازی محیطی، تعالی رفتار، اصلاح‌فرایندی، خلاقیت و نوآوری بوده است. هدف آن استفاده حداکثری از حداقل امکانات، ارائه خدمات مطلوب‌تر به مردم و جلب مشارکت مردم در پیشگیری از جرائم اولیه و ثانویه است اما این طرح نیاز به اختصاص بودجه کافی



برای اجرای آن در همه کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و برگزاری کارگاه‌های آموزش تعالی رفتار و تخصصی کردن نیروها در رسیدگی به موضوعات تخصصی دارد. این طرح با تلاش فرماندهی انتظامی استان مازندران در اکثریت کلانتری‌ها و پاسگاه‌های استان مازندران اجرا گردیده است (دستورالعمل صادره از معاونت طرح و برنامه ناجا، ۱۳۹۱)

ب- طرح غیرتمرکزی: این طرح‌ها بر حسب نیاز، نوع و زمان و مکان جرائم و موقعیت منطقه‌ای در اختیار استان‌ها و شهرستان‌های محل وقوع قرار گرفته تا بر اساس ضرورت و اولویت مسائل اجتماعی منطقه اجرا گردد مانند طرح رعد، طرح فاتح، طرح نصرت، طرح ظفر و ... که این طرح‌های چهارگانه منطقه محور و محله محور است به این شکل که طرح مذکور بعد از انجام برآوردهای مقدماتی، اطلاعاتی در حوزه کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها، نیازسنجی از مردم و مسئولین، تجزیه و تحلیل آمار و وقایع ثبت شده اجرا می‌گردد بدین صورت که در طرح رعد با محوریت همان کلانتری و پاسگاه به صورت هفتگی و در طرح فاتح با محوریت یکی از پلیس‌های تخصصی شهرستان در مورد جرائم تخصصی در یک کلانتری یا پاسگاهی که اجرای طرح رعد موفقیت‌آمیز نبوده به صورت هفتگی و طرح نصرت با محوریت پلیس‌های تخصصی شهرستان در حوزه کلانتری‌ها و پاسگاه‌هایی که اجرای دو طرح قبلی موفقیت‌آمیز نبوده، با بهره‌گیری از توان رده متناظر تخصصی و همکاری و کمک شهرستان‌های همجوار به صورت هر پانزده روز یکبار تا وصول نتیجه اجرا می‌گردد و در صورت عدم موفقیت طرح‌های مذکور، طرح ظفر با محوریت و راهبری معاونت عملیات استان و مشارکت تمام پلیس‌های تخصصی استان و همکاری نیروهای شهرستان‌های همجوار و شهرستان محل اجرا به صورت سه ماهه، شش ماهه یا سالانه بر اساس ضرورت تا حصول نتیجه اجرا می‌گردد. این دو طرح تمرکزی و غیر تمرکزی خود به دو دسته طولی و عرضی تقسیم می‌گردند. طرح‌های طولی به طرح‌هایی اطلاق می‌گردند که از لحاظ اقدام و تکمیلی بودن در طول یکدیگر قرار دارند به گونه‌ای که با عدم حصول نتیجه قابل قبول از اجرای این طرح‌ها و بر اساس ضرورت زمانی و مکانی با لحاظ نمودن توان اجرایی، نیروی انسانی و لجستیکی بالاتر و قوی‌تر به پیشبرد اهداف ناجا کمک می‌نمایند مانند اجرای طرح فاتح پس از طرح رعد و اجرای طرح نصرت بعد از طرح فاتح اما طرح‌های عرضی به طرح‌هایی گفته می‌شود که در کنار سایر طرح‌های طولی و صرف نظر از موقعیت مکانی و زمانی در همه جای کشور بعد از تهیه مقدمات اجرا می‌گردد مانند طرح استقرار واحد مشاوره و مددکاری در کلانتری‌ها، طرح مکنّا، طرح شورای معتمد پلیس و ... حال با این پیش‌مقدمه، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه‌های جرم‌شناسی همچون عدالت ترمیمی، نظریه حداقلی و ... اقدام به سیاست‌گذاری در اندیشه و تفکر و ساختار و عمل می‌نماید. در این راستا نیروی انتظامی جلوتر از سیاست‌گذاران سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی، در سال ۱۳۸۰، رویکرد اجتماع محوری پلیس و سیاست جنایی مشارکتی را در حد امکان در پیشگیری از جرم و آموزش همگانی و اصلاح و ترمیم روابط طرف‌های درگیر و جلب مشارکت سمن‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی با تعبیه معاونت اجتماعی در ساختار نیروی انتظامی به عنوان معاونت مستقل که دارای قسمت‌های

تخصصی چون اداره مطالعات و برآورد اجتماعی، اداره آموزش همگانی و مشارکت، اداره اطلاع رسانی، مرکز مشاوره و ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری و غیره به ظهور رسانده است و با این گام، رویکرد نوین پلیس در تمام رده‌های تخصصی و کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها به خصوص در معاونت عملیات و در کتاب جامع عملیاتی آن در تدوین و اجرای طرح‌های پلیس‌های تخصصی و یگان‌های انتظامی و اجرایی طنین انداز شد که در پژوهش حاضر به بررسی بعضی از برنامه‌های پلیس در ظهور و بروز رویکرد اجتماع محوری می‌پردازیم.

توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی (مشخصات دموگرافیک)

بیشتر نمونه آماری از حیث متغیر با فراوانی ۲۵۸ نفر و ۷۳/۷۱ درصد مرد و ۹۲ نفر با ۲۶/۲۹ درصد آن را زن تشکیل می‌دهد که بیشتر پاسخگویان با فراوانی ۹۵ و ۲۷/۱۶ درصد در رده سنی ۳۶ تا ۴۰ سال و کمترین آن با فراوانی ۱۹ و ۵/۴۶ درصد در رده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال قرار داشتند. پاسخگویان به ترتیب مقدار فراوانی و به طور تصادفی ساده از شهرستان‌های بابل با فراوانی ۷۰، ساری با فراوانی ۵۸، تنکابن با فراوانی ۲۲، فریدونکنار با فراوانی ۲۱، چالوس با فراوانی ۲۰، آمل با فراوانی ۱۸، سوادکوه با فراوانی ۱۷، نکا با فراوانی ۱۷، بابلسر با فراوانی ۱۶، رامسر با فراوانی ۱۳، گلوگاه با فراوانی ۱۳، قائمشهر با فراوانی ۱۲، نوشهر با فراوانی ۱۱، نور با فراوانی ۸، بهشهر با فراوانی ۲۰، محمودآباد با فراوانی ۸ و جویبار با فراوانی ۶ نفر بوده‌اند، که ۲۵۴ نفر آنها متأهل و ۹۶ نفر آنها مجرد بوده است که شغل آنها به ترتیب ۱۵۰ نفر پلیس، ۷۳ نفر آزاد، ۵۳ نفر کارمند، ۲۸ نفر قاضی، ۲۴ نفر استاد دانشگاه و ۲۲ نفر بیکار بوده‌اند که تحصیلات ۲۰۸ نفر آنان کارشناسی، ۶۶ نفر کارشناسی ارشد، ۲۳ نفر دکتری، ۳۶ نفر دیپلم و ۱۷ نفر زیر دیپلم بوده‌است و از لحاظ درآمدی نیز بیشتر آنان با فراوانی ۱۷۵ نفر بین ۵ الی ۷ میلیون تومان درآمد ماهیانه داشته‌اند و از ۱۹۹ نفر پاسخگویان در محل کار، از ۷۳ نفر آنان در خیابان، ۶۳ نفر آنان در کنار درب منازل و از ۳۵ نفر آنان در پارک‌ها و تفرجگاه‌ها نظرخواهی گردیده است.

آمار توصیفی مربوط به گویه‌ها

نتایج حاصل از پرسش‌های مربوط به پرسشنامه تحقیق در جدول‌های ۱ تا ۳ خلاصه شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخ دهندگان بر حسب سوال اول

خیر	بله				سوال
	روانه و هفتگی	ماهانه	سه ماه یک بار	بسته به نیاز	
۸	۹۸	۱۰۵	۲۴	۱۲۳	۱- آیا از اجرای طرح‌های پیشگیرانه پلیس اطلاع دارید؟



جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ دهندگان بر حسب سوال دوم

سوال	کلانتری و پاسگاه‌های یک شهرستان	پلیس‌های تخصصی مثل آگاهی، مواد مخدر، اطلاعات و ... یک شهرستان	توسط کلانتری و پاسگاه‌ها با همکاری و همیاری پلیس‌های تخصصی (آگاهی، مواد مخدر و ... همان شهرستان	توسط کلانتری و پاسگاه‌ها با همکاری و همیاری پلیس‌های تخصصی با همکاری و همیاری شهرستان‌های همجوار و معین	توسط کلانتری و پاسگاه‌ها با همکاری و همیاری پلیس‌های تخصصی و همکاری و همیاری رده‌های متناظر استانی و شهرستانی همجوار
۲- طرح‌های پیشگیرانه پلیس توسط چه یگان‌هایی از پلیس انجام می‌شود؟	۸۳	۱۰۱	۵۰	۹۹	۱۷

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب سوالات پرسشنامه

میانگین	تعداد پاسخ					سوال
	کاملا موافقم	موافقم	بی نظر	مخالفم	کاملا مخالفم	
۳/۹۷	۱۰۷	۱۶۵	۴۳	۳۵	۰	۳- طرح‌های انجام شده در سوال بالا توانسته باعث پیشگیری از جرم گردد؟
۴/۰۵	۱۱۰	۱۷۸	۲۷	۳۵	۰	۴- طرح‌های انجام شده توانسته باعث افزایش امنیت مردم گردد؟
۴/۰۱	۱۲۲	۱۵۱	۳۶	۴۱	۰	۵- آیا طرح‌های انجام شده توانسته باعث ارتقا احساس امنیت مردم گردد؟
۳/۹۹	۱۱۵	۱۵۴	۴۱	۴۰	۰	۶- طرح‌های انجام شده در کاهش یا توقف رشد جرائم موثر است؟
۳/۹۹	۱۱۶	۱۶۱	۲۸	۴۵	۰	۷- کلانتری و پاسگاه‌ها و اماکن انتظامی نسبت به خوشایندسازی و تربین محیط‌های خود اهتمام دارند؟
۴/۰۹	۱۳۰	۱۵۴	۳۵	۳۱	۰	۸- خوشایند سازی اماکن انتظامی توانسته باعث کاهش ترس از محیط و جرائم و احساس آرامش شود؟
۳/۷۶	۹۷	۱۴۰	۵۱	۵۲	۱۰	۹- خوشایند سازی و طرح مکننا در همه کلانتری و پاسگاه‌ها اجرایی شده است؟
۴/۰۹	۱۱۸	۱۷۵	۲۸	۲۹	۰	۱۰- عدم استمرار طرح مکننا در همه کلانتری و پاسگاه‌ها دلیل عدم تامین مسائل و منابع مالی می‌باشد؟
۴/۰۷	۱۲۷	۱۶۱	۲۵	۳۶	۱	۱۱- تعبیه واحدهای مشاوره و مددکاری در کلانتری‌ها توانسته باعث پیشگیری از جرائم ثانوی گردد؟
۴/۱۲	۱۳۰	۱۶۴	۲۵	۳۱	۰	۱۲- آموزش همگانی کارشناسان انتظامی در مدارس و محافل عمومی باعث پیشگیری از جرائم گردیدند؟
۴/۱۲	۱۳۲	۱۵۷	۳۲	۲۹	۰	۱۳- حضور مشاورین و مددکاران در مناطق آسیب‌پذیر و آموزش خانواده‌ها تاثیر بسزایی در پیشگیری از جرائم دارد؟

میانگین	تعداد پاسخ				سوال	
	کاملاً موافقم	موافقم	بی نظر	مخالقم کاملاً		
۴/۰۴	۱۲۲	۱۵۸	۳۱	۳۹	۰	۱۴- مشاورین و مددکاری در کلانتری‌ها توانسته باعث جلوگیری از بزه‌دیدگی مضاعف گردند؟
۴/۰۰	۱۱۵	۱۵۴	۴۶	۳۵	۰	۱۵- شورای معتمد پلیس توانسته در احساس امنیت و حل مشکلات اولویت‌دار محله‌ها موثر باشد؟
۳/۹۵	۱۱۵	۱۴۳	۵۳	۳۸	۱	۱۶- پلیس نمی‌تواند متهمین یا مجرمین جرائم قتل، نسل‌کشی و جرائم امنیتی را وارد چرخه عدالت ترمیمی نماید؟
۴/۰۱	۱۱۲	۱۵۸	۵۲	۲۸	۰	۱۷- مشارکت دادن مجرمین غیرخطرناک در طرح‌های انتظامی در قالب پلیس افتخاری در جهت برقراری نظم و امنیت در مراسمات دسته روی و راهپیمایی‌های اعتقادی در هویت بخشی و باز اجتماعی شدن افراد و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم تاثیر داشته است.
۴/۰۰	۱۰۹	۱۶۵	۴۲	۳۴	۰	۱۸- موانع ومشکلات پلیس در فراگیر کردن طرح بالا استفاده از مجرمین غیر خطرناک در طرح‌های انتظامی، عدم تخصیص بودجه و عدم وجود قوانین افتراقی بوده است؟
۴/۱۳	۱۳۳	۱۶۵	۲۲	۲۹	۱	۱۹- تعامل با سازمان‌هایی چون بهزیستی، کمیته امداد در جهت آموزش زوجین تاثیر بسزایی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرائم دارد؟
۴/۰۲	۱۱۲	۱۶۷	۳۹	۳۱	۱	۲۰- برچسب‌زنی و انگ‌زنی رسمی و غیر رسمی باعث ارتکاب جرائم ثانوی می‌گردد؟
۳/۹۹	۱۰۴	۱۷۶	۳۲	۳۸	۰	۲۱- اولویت برنامه‌ریزی پلیس در مقابله و پیشگیری از جرائم برحسب بررسی آمار مآخوذه سامانه ۱۱۰، ثبت پرونده‌ها، برآوردهای مقدماتی، سطح یک و دو، نظرخواهی از مسوولین و کارشناسان علمی، انتظامی، مصوبه شورای معتمد پلیس می‌باشد؟
۳/۴۳	۹۹	۱۱۳	۲۵	۷۰	۴۳	۲۲- پلیس، پیشگیری از جرائم را وظیفه انحصاری خود نمی‌داند؟
۳/۹۸	۱۱۴	۱۶۱	۳۵	۳۹	۱	۲۳- پلیس در تامین امنیت و پیشگیری از جرائم از توان عامه مردم و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و سمن‌ها بهره می‌گیرد؟
۳/۹۶	۱۰۴	۱۶۹	۳۸	۳۸	۱	۲۴- پلیس با حضور فیزیکی در مناطق جرم خیز توانسته است باعث پیشگیری از ارتکاب جرائم گردد؟
۴/۰۹	۱۲۵	۱۶۱	۳۰	۳۴	۰	۲۵- پلیس با حضور در طرح مدارس توانسته است باعث پیشگیری از جرائم گردد؟
۴/۰۰	۱۱۳	۱۶۲	۴۰	۳۵	۰	۲۶- پلیس با انجام طرح رصد توانسته است باعث پیشگیری از جرائم در آن نقطه گردد؟
۴/۰۰	۱۱۱	۱۶۲	۴۲	۳۵	۰	۲۷- پلیس با انجام طرح نصرت توانسته است باعث پیشگیری از جرائم در آن نقطه گردد؟



میانگین	تعداد پاسخ					سوال
	کاملا موافقم	موافقم	بی نظر	مخالقم	کاملا مخالفم	
۳/۹۹	۱۱۳	۱۵۷	۴۲	۳۸	۰	۲۸- پلیس با انجام طرح ظفر توانسته است باعث پیشگیری از جرائم در آن نقطه گردد؟
۴/۰۱	۱۱۹	۱۵۴	۳۸	۳۹	۰	۲۹- پلیس با انجام طرح فاتح توانسته است باعث پیشگیری از جرائم در آن نقطه گردد؟
۳/۹۷	۱۱۶	۱۵۳	۳۹	۳۹	۳	۳۰- طرح‌های جامعه مدارانه در همه جرائم قابلیت اجرا دارد؟
۴/۰۸	۱۲۶	۱۵۸	۳۵	۳۱	۰	۳۱- پلیس در طرح‌های جامعه مدارانه به‌عنوان یک سازمان متولی در کنار سایر سازمان‌ها و ادارات می‌تواند به موفقیت دست یابد؟
۴/۱۲	۱۳۷	۱۵۳	۲۹	۲۸	۳	۳۲- یکی از مشکلات اساسی پلیس در اجرای طرح‌ها عدم وجود بستر اجتماعی و اقتصادی مناسب در جامعه می‌باشد؟ (مشکلات معیشت، جایگاه اجتماعی، کار و ... توسط قوه مجریه، وزارت اقتصاد دارایی، رفاه و تعاون و اجتماعی و ... باید مد نظر قرار گیرد.)
۴/۱۳	۱۴۲	۱۴۷	۳۲	۲۹	۰	۳۳- ارجاع مراجعین به واحد‌های مشاوره و مددکاری قبل از ورود پرونده‌ها به چرخه عدالت کیفری، تاثیر زیادی در کاهش ترس مردم از جرم و پلیس و جلوگیری از بزه دیدگی مضاعف و اصلاح روابط طرفین و باز اجتماعی شدن بزه‌کاران دارد؟
۴/۱۰	۱۴۰	۱۴۳	۳۱	۳۵	۱	۳۴- پلیس در برقراری امنیت با نهادهای جامعه‌ی و سازمان‌ها تعامل دارد؟

یافته‌های استنباطی

آمار استنباطی آن قسمت از آمار است که به برآورد و آزمون فرضیه‌ها در خصوص پارامترهای جامعه از روی نمونه می‌پردازد. استنباط‌هایی که از نمونه می‌شود نمی‌تواند قطعی باشد و این استنباط‌ها احتمالی هستند و از این رو باید مبانی نظریه احتمال را در بیان آن‌ها به‌کار گیریم. در واقع هدف نهایی آمار استنباطی برآورد ویژگی‌های جامعه است.

بررسی نرمال بودن داده‌ها

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف- اسمیرنف استفاده شده است و نتایج در جدول ۴ خلاصه شده است:

جدول ۴: نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنف

آماره آزمون	Sig (سطح معنی داری)	نتیجه
۰/۳۱۹	۰/۰۰۰	رد فرض صفر

با توجه به جدول ۴، مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ می باشد که از ۰/۰۵ کمتر بوده و در نتیجه فرض صفر (نرمال بودن داده ها) رد می شود؛ بنابراین برای انجام آزمون ها و بررسی فرضیه اصلی از آزمون های ناپارامتری که نیاز به برقراری فرض نرمال بودن ندارد بهره می گیریم.

فرضیه اصلی

به نظر می رسد تا حد زیادی اجرای طرح ها و برنامه های پلیس اجتماع محور در استان مازندران در پیشگیری از جرم موفقیت آمیز بوده است. برای بررسی این فرضیه و با توجه به نرمال نبودن داده ها از آزمون دوجمله ای استفاده می شود، بدین صورت که میانگین نمرات کسب شده مربوط به پرسش های پرسشنامه به دو دسته ی کوچکتر مساوی ۲/۵ و بیشتر از ۲/۵ تقسیم می شود و نسبت نمرات دو دسته مورد آزمون قرار می گیرد تا برابر بودن یا بیشتر بودن نسبت یکی از گروه ها و در نتیجه موفقیت آمیز بودن یا نبودن طرح ها و برنامه های پلیس اجتماع محور مشخص گردد. نتایج در جدول ۵ خلاصه شده است:

جدول ۵: نتایج آزمون دوجمله ای برای فرضیه اصلی

Sig (سطح معنی داری)	نتیجه
۰/۰۰۰	رد فرض صفر

با توجه به جدول ۵، مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ می باشد که از ۰/۰۵ کمتر بوده و در نتیجه فرض صفر رد می شود؛ بنابراین این فرضیه که نسبت نمرات کوچکتر مساوی ۲/۵، بیشتر از ۲/۵ (پنجاه درصد) است رد می شود و فرضیه اصلی تایید می شود به عبارتی می توان پذیرفت که تا حد زیادی اجرای طرح ها و برنامه های پلیس اجتماع محور در استان مازندران در پیشگیری از جرم موفقیت آمیز بوده است.

فرضیه فرعی اول

به نظر می رسد طرح ها و برنامه های پلیس اجتماع محور با اصول و مبانی جرم شناسی تطبیق دارند. برای بررسی این فرضیه از آزمون دوجمله ای استفاده می شود. نتایج در جدول ۶ خلاصه شده است:



جدول ۶: نتایج آزمون دوجمله‌ای برای فرضیه فرعی اول

نتیجه	Sig (سطح معنی داری)
رد فرض صفر	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۶، مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ می باشد که از ۰/۰۵ کمتر بوده و در نتیجه فرض صفر رد می شود؛ به عبارتی می توان پذیرفت که طرح‌ها و برنامه‌های پلیس اجتماع محور با اصول و مبانی جرم‌شناسی تطبیق دارند.

فرضیه فرعی دوم

به نظر می‌رسد اعضاء پلیس، طرح‌ها و برنامه‌های پلیس اجتماع محور را در پیشگیری از جرم موثر و کارآمد می‌دانند.

برای بررسی این فرضیه از آزمون دوجمله‌ای استفاده می شود. نتایج در جدول ۷ خلاصه شده است:

جدول ۷: نتایج آزمون دوجمله‌ای برای فرضیه فرعی دوم

نتیجه	Sig (سطح معنی داری)
رد فرض صفر	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۷، مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ می باشد که از ۰/۰۵ کمتر بوده و در نتیجه فرض صفر رد می شود؛ به عبارتی می توان پذیرفت که اعضاء پلیس، طرح‌ها و برنامه‌های پلیس اجتماع محور را در پیشگیری از جرم موثر و کارآمد می‌دانند.

فرضیه فرعی سوم

به نظر می‌رسد مهمترین چالش و مانع فراروی اجرای کارآمد و موثرتر برنامه‌های پلیس اجتماع محور در استان مازندران، عدم رسمیت شناختن تکثر فرهنگی جامعه و عدم وجود قوانین آمره افتراقی می‌باشد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون دوجمله‌ای استفاده می شود. نتایج در جدول ۸ خلاصه شده است:

جدول ۸: نتایج آزمون دوجمله‌ای برای فرضیه فرعی سوم

نتیجه	Sig (سطح معنی داری)
رد فرض صفر	۰/۰۳۱

با توجه به جدول ۸، مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۳۱ می باشد که از ۰/۰۵ کمتر بوده و در نتیجه فرض صفر رد می شود؛ به عبارتی می توان پذیرفت که مهمترین چالش و مانع فراروی اجرای کارآمد و موثرتر برنامه‌های پلیس اجتماع محور در استان مازندران، عدم رسمیت شناختن تکثر فرهنگی جامعه و عدم وجود قوانین آمره افتراقی می‌باشد.

فرضیه فرعی چهارم

به نظر می‌رسد که قلمرو برنامه‌های پیشگیرانه پلیس اجتماع محور شامل کلیه جرائم نمی‌شود. برای بررسی این فرضیه از آزمون دوجمله‌ای استفاده می‌شود. نتایج در جدول ۹ خلاصه شده است:

جدول ۹: نتایج آزمون دوجمله‌ای برای فرضیه فرعی چهارم

نتیجه	Sig (سطح معنی داری)
رد فرض صفر	۰/۰۳۱

با توجه به جدول ۹، مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۳۱ می‌باشد که از ۰/۰۵ کمتر بوده و در نتیجه فرض صفر رد می‌شود؛ به عبارتی می‌توان پذیرفت که قلمرو برنامه‌های پیشگیرانه پلیس اجتماع محور شامل کلیه جرائم نمی‌شود.

نتیجه گیری

پلیس اجتماع محور (جامعه مدار) در حال حاضر در بیشتر کشورهای جهان به طور ویژه، کشورهای که دارای نظم و امنیت اجتماعی بالایی دارند، با اقبال مواجه شده و به سرعت رو به توسعه و گسترش است. کشورهای مختلف جهان با تاثیر و الهام از آداب، عادات، فرهنگ سنتی و بومی و آموزه های جرم شناختی در حال اجرا کردن رهیافت های پلیس اجتماع محور هستند. گفتمان اجتماع محوری پلیس به دنبال تغییر و تعدیل دیدگاه در نظام اقتصادی و قضایی عدالت کیفری، برای حل و فصل چالش های کیفری از دولت و نهادهای رسمی متعلق به افراد انسانی تشکیل دهنده جامعه (رویکرد اجتماع محوری یا جامعه‌ی) است. از همین جهت، در رویکرد پلیس اجتماع محور تاکید، توجه و تامل بر مشارکت افراد ذی نفع (بزه دیدگی و جامعه محلی و بزهکار) با نگاه پیرا حقوقی به معضلات کیفری است.

امروزه و با توجه به دگرذیسی مفاهیم سنتی حقوق کیفری (جرم، مجرم، مجازات، دادرسی، اجرای احکام، پلیس و ...) رهیافت اجتماع محوری پلیس می‌تواند به عنوان مکمل و در برخی موارد جایگزین رویکرد سنتی پلیس شود. به نظر فرایندهای مشارکتی، داوطلبانه و جامعه‌ی در جهت صلح و سازش بایستی در کنار و در برخی شرایط خاص، به طور مثال جرایم خرد و کم اهمیت، انحرافات و رفتارهای غیر اجتماعی، مواردی که اصولاً مداخلت در نظام قضایی (دادرسی در مفهوم اخص کلمه) ندارند همانند خودکشی، جایگزین برنامه‌های سنتی، دولتی، اجباری و یک جانبه شود. در راستای این رویکرد نوین پلیس که هدف اصلی و اولیه آن پیشگیری از جرم، کاهش ارتکاب جرم و جرم مجدد، مشارکتی نمودن سیاست جنایی، کاهش اقتدارگرایی نظام عدالت کیفری و عدم انگ زنی به افراد جامعه است، عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز تاثیر قابل توجهی دارد. به صورتی که برای اجرای درست و صحیح برنامه‌های اجرایی پلیس جامعه محور اعم از پلیس محلی، پلیس مسئله محور و ترمیمی نیازمند فرهنگ سازی و ساختارمند نمودن کلیت جامعه می‌باشیم.



بدین جهت که در جامعه‌ای با فرهنگ مطلوب، همکاری و مشارکت مردم در جهت حل و فصل دعاوی و صلح و سازش آن بالاست و در این جوامع، رویکرد و رفتارهای جامعه‌محوری پلیس به نظر نتیجه مثبت را به همراه خواهد داشت. با توجه به پیشرفت جامعه ایرانی در سال‌های اخیر، مدرن‌شدن زیرساخت‌ها و افزایش حضور مردم در اجتماع و جامعه شهری الگوی پلیس جامعه-محوری از دهه هشتاد هجری شمسی توسط صاحب‌نظران مطرح و در کشور ایران و به تبع استان مازندران در محدوده کلانتری‌ها در قالب واحدهای مشاوره و مددکاری صورت گرفته است.

در پژوهش حاضر نیز بر اساس تحقیقات کمی و تجربی که به صورت مصاحبه، پرسشنامه و استفاده از نرم افزار Spss جهت تحلیل داده‌ها نتایج مثبت و مطلوبی حاصل شد. نتایج مثبت شامل جلوگیری از ورود تعداد زیادی از پرونده‌ها به دادسرا و دادگاه‌ها (به صورتی که بر اساس استنتاج آماری بیش از ۷۵ درصد پرونده‌های ارجاعی در واحدهای مشاوره و مددکاری به صلح و سازش ختم شدند)، قضازدایی در مفهوم اعم و اخص کلمه در این رویکرد اتفاق افتاد، جلوگیری از برچسب‌زنی و انگ‌مجرمانه (در تحلیل آماری داده‌ها با بیش از ۹۰ درصد، مصاحبه‌کنندگان اشعار داشتند که رویکرد پلیس جامعه‌محور باعث عدم‌انگ مجرمانه می‌شود)، کاهش وقت و هزینه رسیدگی، به این صورت که با سازش در اولین مرحله از مراحل و چرخه نظام عدالت کیفری، در وقت طرفین و نظام قضایی و همچنین هزینه‌های مختلف دادرسی و ... صرفه جویی می‌شود، افزایش رضایت مردم از پلیس و برنامه‌های جامعه‌محوری به صورتی که اصولاً افراد درگیر پس از چند جلسه احساس طیب خاطر دارند، افزایش اعتماد مردم به پلیس و در جریان بودن رابطه دوسویه بین پلیس و مردم (مردم محلی)، پیشگیری از انحرافات و جرائم به صورتی که اساس رویکرد اجتماع محوری، مبتنی بر پیشگیری است، (حتی در مصادیقی که نظام قضایی به جهت عدم جرم‌انگاری و کیفی‌گذاری حق مداخله ندارند، پلیس اجتماعی با توجه به هدفش، حق ورود را دارد که نتیجه این ورود، علاوه بر کاهش آلام فرد و خانواده آسیب دیده، پیشگیری از جرم و انحراف است)، در نهایت نتیجه اصلی که ارتقای نظم و امنیت در جامعه است در این رویکرد و با استفاده از ابزار و اهرم‌های این رهیافت محقق می‌شود که تحقق آن در آمارهای موجود که بررسی شد، مبرهن است.

در این طرح پیمایشی، فرضیه‌ها با بهره‌گیری از آزمون‌های ناپارامتری که نیاز به برقراری فرض نرمال بودن نداشته، تایید گردیدند. یافته‌های تحقیق حکایت از اجرای آنها توسط تمام یگان‌های ناجا بر حسب شرح وظیفه خود داشته است. این طرح‌ها با زیربنای جرم‌شناسی پیشگیرانه و در بازه زمانی هفته‌ای، پانزده روزه، ماهانه، سه‌ماهه، یک‌ساله و به طور مداوم تا دستیابی به نتایج مطلوب یعنی توقف یا کاهش جرائم و ارتقاء احساس امنیت مردم ادامه دارد. طرح‌های پلیس در پیشگیری از جرائم بر اساس جرائم اولیه و ثانویه، خرد و کلان، تمرکزی و غیرتمرکزی، طولی و عرضی، شیوه و زمان اجرای آنها با یکدیگر تفاوت جزئی داشته که رویکرد و هدف اصلی همه آنها پیشگیری از جرائم، ارتقاء امنیت و احساس امنیت در پهنه استان مازندران می‌باشد. در این پژوهش چند طرح مهم پلیس، شامل طرح مکننا (مدیریت کیفیت ناجا)، طرح شورای معتمد پلیس، طرح استقرار واحدهای مشاوره و مددکاری، طرح رعد، فاتح، نصرت و ظفر در بوت‌ه سنجش و ارزیابی قرار گرفته-

اند که نتیجه به دست آمده حکایت از موفقیت این طرح‌ها دارد و پلیس مازندران با اجرای آنان موجب ارتقاء احساس امنیت، کاهش ترس از محیط و تعامل بیشتر افراد جامعه با پلیس و مشارکت بیشتر جامعه محلی در برنامه‌های پلیس، اولویت‌بندی مسائل اجتماعی محله و چگونگی رویارویی و پاسخ به این مسائل بر اساس نظرات مردم محلی و ... شده است. اما باید یادآور شد که اشتباه پلیس بعد از اجرای طرح‌ها، در بیان آمار و بسنده نمودن به این نتایج اعلامی می‌باشد. البته هدف پلیس از بیان آمار در جهت برجسته‌سازی فعالیت پلیس و تلاش آنان با عامه مردم برای امنیت بخشی خصوصاً ارتقاء احساس امنیت و پیشگیری عمومی از جرم می‌باشد نه اینکه با این آمار درصدد ارزیابی نهایی طرح‌ها و خاتمه یافتن در آن محله خاص پرداخته باشند که بایستی این نقیصه با آگاهی‌بخشی تمام اعضاء پلیس مازندران به زیربنای جرم‌شناسی طرح‌ها و هدف اجرایی آنها توسط متخصصین فن رفع گردد.

همچنین پلیس مازندران با مشکلاتی چون عدم کفایت منابع و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، میزان اختیارات پلیس (مخصوصاً پلیس جامعه‌محور) در ورود و فرصت برای حل مشکل، چالش‌های اجرایی و عدم آموزش کافی نیروی پلیس بر اساس یافته‌های نوین جامعه‌شناختی و عدم وجود قوانین افتراقی روبرو می‌باشد.

پژوهش حاضر با یک نگاه افتراقی از مطالعات نظری تا بررسی موردی به چالش‌های علمی و عملی پلیس جامعه‌محور در پهنه استان مازندران پرداخته است.

در نهایت یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با توجه به دگرذیسی در مفاهیم نظم و امنیت و تحولات جامعه امروزی نیازمند پلیس جامعه‌محور با رهیافت‌های مشارکتی - اصلاحی - ترمیمی می‌باشیم. رویکردی که بیش از آنکه مبتنی بر عدالت کیفری سزادهنده باشد، بر اساس صلح و سازش و ترمیمی مدار است. انجام مصاحبه، پرسشنامه و تحلیل‌های آماری موید ضرورت پلیس جامعه‌محور با رویکرد پیشگیرانه در پهنه استان مازندران است.

ضمناً با مقایسه پیشینه تحقیقات انجام شده به این نتیجه رهنمون می‌گردیم که برخلاف نتایج پیشینه‌های تحقیق قید گردیده که پلیس را در اجرای برنامه‌های اجتماع‌محوری خود موفق ندانسته و پلیس را انحصارطلب و طرح‌های آن را فاقد زیربنای جرم‌شناسی دانسته است اما در این نوشتار خلاف آن را تایید و به موفقیت پلیس مازندران در برنامه‌های اجتماع‌محوری و مشارکتی صحه‌گذاشته و طرح‌های آن را با زیربنای جرم‌شناسی دانسته است هر چند که ایراداتی در راستای اجرایی کردن صحیح و فراگیری رویکرد اجتماع‌محوری وجود دارد که بایستی با تصویب قوانین افتراقی و توسعه دامنه مداخلات پلیس اجتماع‌محور در مسائل اجتماعی خصوصاً انحراف حل و فصل گردد.

اما اگر بخواهیم به طور اختصاصی به سوالات این پژوهش پاسخ دهیم یافته‌های زیر استخراج می‌شود که حسب مورد عبارتند از:

۱- با تحلیل و توصیف پرسشنامه، ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان اجرای طرح‌ها و برنامه‌های پلیس اجتماع‌محور در پیشگیری از جرم در پهنه استان مازندران را مثبت ارزیابی نمودند.



- ۲- با تاملی بر نظریه‌های جرم‌شناختی و توصیف پرسشنامه و مصاحبه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های پلیس اجتماع‌محور با اصول و مبانی جرم‌شناسی پیشگیرانه مطابقت دارد.
- ۳- با تکیه بر نظرات واصله در طرح پیمایشی و صلح و سازش بیش از ۷۵ درصد پرونده‌های ارجاعی به واحدهای مشاوره و مددکاری که بیانگر رویکرد اجتماع‌محوری پلیس و تاثیر آن در پیشگیری از جرائم اولیه و ثانویه دارد.
- ۴- با بررسی‌های به عمل آمده از طریق تحلیل و توصیف پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌ها، بودجه و اعتبارات، نیروی انسانی و قوانین جاری، لزوم تغییرات در استفاده از نیروی انسانی متخصص و کارآمد، اختصاص بودجه کافی جهت تعمیم و اجرای پررنگ‌تر طرح‌ها، تصویب قوانین افتراقی و توسعه اختیارات پلیس در جرائم خرد و انحراف به عنوان موانع و چالش فرا روی سیاست‌گذاری اجرایی برنامه‌های پلیس اجتماع‌محور در استان مازندران ضروری به نظر می‌رسد.
- ۵- در مورد جرائم بایستی قائل به تفصیل شد، بدین صورت که در قبال جرایم خرد و کم اهمیت از رویکرد پیشگیرانه و در مورد جرائم کلان و سنگین از رهیافت کیفی استفاده کرد. همچنین کلیه انحرافات و رفتارهای غیراجتماعی همانند خودکشی، اعتیاد به مصرف موادمخدر را نیز می‌توان در زمره اختیارات پلیس اجتماع‌محور قرار داد تا از این قبیل پاسخ‌های اجتماع‌محور و اصلاحی به جهت پیشگیری از انحراف و جرم محقق شود.

پیشنهادها

- با توجه به مطالب مذکور پیشنهادهای ذیل ضروری به نظر می‌رسد:
- ۱- فرهنگ‌سازی برنامه‌های پلیس اجتماع‌محور در بین آحاد مختلف مردم و همچنین بین کارکنان رسمی، به طور ویژه مأموران انتظامی و قضایی استان مازندران، به صورتی که جزء فرهنگ و باور علمی و عملی مردم و نهادهای رسمی در استان مازندران شود.
 - ۲- آموزش و تربیت نیروی متخصص برای اجرای سیاست‌های اجتماع‌محوری پلیس؛ به طور ویژه آموزش‌های لازم و تکمیلی به کارکنان، مأموران کلانتری، مخصوصاً کارکنان دوایر قضایی و مددکاران مشاوره به منظور ارائه اصول بهتر اجرای برنامه‌های پلیس جامعه‌محور در راستای این هدف، جذب دانش‌آموختگان متخصص در رشته‌های روانشناسی، مددکاری، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی که می‌توانند در پیشبرد اهداف پلیس جامعه‌محور موثر باشند. علاوه بر آن پیشنهاد می‌گردد آموزش‌های ضمن خدمت در مورد پلیس جامعه‌محور در مراکز آموزش استان مازندران به منظور ارتقاء سطح ادراک علمی و عملی گنجانده شود.
 - ۳- مصداق بارز پلیس جامعه‌محور، واحدهای مشاوره و مددکاری در استان مازندران است. این ساختار بیش از آن که در سیاستگذاری تقنینی دیده شود، نشأت گرفته از تصمیمات سازمانی است؛ با توجه به اینکه این نهاد درون سازمانی پلیس دارای تصمیمات مهم و اثرگذاری بر نظام قضایی کشور است، قانونمندی‌سازی و حقوقی‌سازی آن امری لازم و ضروری فرض می‌شود.



۴- توسعه و بسط پلیس جامعه‌محور و واحدهای مشاوره و مددکاری در سازمان‌های دیگر اعم از نهادهای رسمی یا غیررسمی، به این صورت که تمامی سازمان‌ها دارای چنین مراکز و رویکردی باشند و متعاقب آن آحاد مردم به چنین معاضدت‌هایی دسترسی داشته باشند. در استان مازندران به لحاظ وجود روابط عاطفی میان مردم و تاثیر نهادهای غیررسمی در حل تعارض بسط و گسترش واحدهای مشاوره و مددکاری در کلیه یگان‌های انتظامی به ویژه پاسگاه‌ها ضروری می‌باشد.

۵- در نظام دادرسی کیفری توجهی که شایسته پلیس جامعه‌محور باشد، نشده است. هرچند آخرین قانون آیین دادرسی کیفری مصادیقی از جامعه‌محوری پلیس در قالب نهاد صلح و سازش، میانجیگری، واحدهای معاضدت و مشاوره و حتی حضور مشاوران در برخی دادگاه کیفری اشاره شده ولی عنایت بیشتری به پلیس جامعه‌محور می‌طلبد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای استفاده مطلوب‌تر از این ظرفیت، قانونگذار در نظام دادرسی کیفری به آن توجه و ضمن قانونمندسازی، اختیارات گسترده‌ای را برای اجراکنندگان این تدابیر اجتماع‌محوری در نظر بگیرد تا بتوان به صورت نظام‌مند از آثار مطلوب پلیس اجتماع‌محور در سراسر کشور به ویژه مازندران بهره برد.

۶- بین واحدهای اجرایی پلیس اجتماع‌محور استان مازندران و مراکز دانشگاهی و علمی (به طور ویژه دانشکده حقوق دانشگاه مازندران و مرکز علمی کاربردی مازندران زیر نظر ناجا) رابطه تنگاتنگ و دوسویه برقرار گردد. زیرا برای این که پلیس بتواند برنامه‌های جامعه‌محوری را به شکل مطلوب‌تری ایجاد کند بایستی ارتباط قوی و علمی در قالب تحقیقات و مطالب آموزشی بین مراکز دانشگاهی و علمی با واحدهای مشاوره و مددکاری شکل گیرد.

۷- تصویب قانون در خصوص ارائه اختیارات به پلیس در برخورد با جرایم به ویژه تفکیک و ارائه اختیار توسط قانون و سلسله مراتب فرماندهی به افسر بلوک یا گشت در برخورد با جرم به صورت خلاقانه در راستای قانون پیشنهادی.



منابع

- بیات، بهرام، شرافتی پور، جعفر، عبدی، نرگس. (۱۳۸۷). «پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور». چاپ اول. تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا - اداره کل مطالعات اجتماعی.
- بیلی، دیوید. (۱۳۷۹). «پلیس آینده». ترجمه: غلامرضا زندی. چاپ اول. تهران: انتشارات معاونت ناجا.
- باقری، محمود. (۱۳۸۶). «حدود آزادی طرفین دعوی در تعیین صلاحیت قضایی بین المللی: جایگاه تجاری بین المللی». مجله مطالعات حقوق (خصوصی)، ۳: ۶۲-۲۹.
- بریت ویت، جان، رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۵). «عدالت ترمیمی». مجله تحقیقات حقوقی، ۴۳: ۵۷۰-۵۲۱.
- بیابانی، غلامحسین، روحزاده، روح الله. (۱۳۹۷). «تاثیر خلاقیت و شیوه های نوآورانه دانش پلیس در پیشگیری و کشف جرم». فصلنامه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴: ۱۷۸-۱۴.
- ترابی، یوسف. (۱۳۸۲) «درآمدی بر رهیافت پلیس مشارکت گرا: پلیس محله»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی ناجا، ۲۲: ۱۴۱-۱۱۲.
- توسلی جهرمی، منوچهر. (۱۳۸۱). «نگاهی به شیوه های جایگزین حل اختلاف (ADR) در مقررات جدید اتاق بازرگانی بین المللی». مجله حقوقی، ۲۶: ۳۸۲-۳۶۵.
- چالوم، لئونارد، همکاران. (۱۳۸۷) «نقش پلیس در امنیت شهری و زمامداری بهینه». ترجمه: غلامرضا محمد نسل. پلیس و پیشگیری از جرم. مجموعه مقالات.
- دلماس مارتی، می ری. (۱۳۸۱). «نظام های بزرگ سیاست جنایی». ترجمه: علی حسین نجفی ابرند آبادی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- دالوندی، زهرا. (۱۳۸۸) «نقش پلیس در پیشگیری از جرم». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رایجیان اصلی، مهرداد، تندرو، امیر. (۱۳۹۶) «نقش و کارکردهای واحدهای مشاوره و مددکاری نیروی انتظامی در پیشگیری از جرم از طریق تدابیر عدالت ترمیمی». چاپ اول. تهران: دانشنامه عدالت ترمیمی.
- رجب زاده چناری، کاظم. (۱۳۹۹). «پیشگیری از جرم در پرتو برنامه های پلیس اجتماع محور (مطالعه موردی در پهنه استان مازندران)». رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی.
- رجب زاده چناری، کاظم، حاجی تبار فیروزجایی، حسن، اسماعیلی، مهدی. (۱۳۹۹). «پیشگیری از جرائم ثانویه در پرتو برنامه های پلیس جامعه محور (مطالعه موردی در شهرستان بابل)». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی: ۴۵-۱۳.
- رجبی پور، محمود. (۱۳۸۲). «راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم (تعامل پلیس و دانش آموزان)» فصلنامه دانش انتظامی، ۱۸: ۳۲-۷.
- زینالی، حمزه. (۱۳۸۱). «پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران». فصلنامه رفاه اجتماعی. ۶: ۹۷-۱۲۴.

- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۰). «آسیب شناسی اجتماعی». چاپ هشتم. تهران: انتشارات آوای نور.
- سلیمان پور شیری، علمدار. (۱۳۸۹). «جلوه های عدالت ترمیمی در نظام عدالت کیفری ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- سماواتی پیروز، امیر. (۱۳۸۵). «عدالت ترمیمی تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن». چاپ اول. تهران: انتشارات نشر نگاه بینه.
- شاکری، ابوالحسن. (۱۳۸۲). «قوه قضاییه و پیشگیری از وقوع جرم». مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم.
- شاکری، رضا. (۱۳۸۱). «پلیس و مردم و امنیت». چاپ اول. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- شیرینی، عباس. (۱۳۸۵). «پارادایم های عدالت کیفری: عدالت کیفری سزا دهنده و عدالت ترمیمی». مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۴: ۲۴۶-۲۱۳.
- طالع زاری، علی، گلدوزیان، ایرج، ابراهیمی، نصیبه. (۱۳۹۷). «کارکرد شناسی تحولات پلیس در زمینه پیشگیری از جرم». فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱: ۱۶۰-۱۴۵.
- عابدی نژاد، زهرا. (۱۳۹۳). «رساله ارزیابی سیاست ها و برنامه های انتظامی کنترل جرم در ایران از منظر شاخص های پلیس اجتماع محور». تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عالی پور، حسن. (۱۳۸۹). «ماهیت جرم». فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، ۲۸: ۲۱۴-۱۸۰.
- عباسی، مصطفی. (۱۳۸۲). «افق های نوین عدالت ترمیمی». چاپ اول. تهران: انتشارات دانشور.
- عباسی، مصطفی. (۱۳۸۲). «عدالت ترمیمی». مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- عسگری نیا سر، مسعود. (۱۳۸۸). «نقش قاضی و پلیس در میانجیگری کیفری». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- غفاری چراتی، صالح. (۱۳۹۹). «هرزه نگاری در فضای مجازی در نظام عدالت کیفری ایران». رساله دکتری دانشگاه مازندران.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۲). «اصل حداقلی بودن حقوق جزا». چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۵). «عدالت ترمیمی». چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- گسن، موریس. (۱۳۸۵). «اصول جرم شناسی». ترجمه: میر روح الله صدیق. چاپ اول. تهران: نشر دادگستر.
- محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۹۱). «مبانی پیشگیری از جرم». چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
- معاونت اجتماعی ناجا. (۱۳۸۰). «دستورالعمل تعیینه و راه اندازی معاونت اجتماعی و مراکز مشاوره». معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- معاونت اجتماعی ناجا. (۱۳۹۳). «دستورالعمل اجرای طرح شورای معتمد پلیس». معاونت اجتماعی ناجا.
- معاونت طرح و برنامه ناجا. (۱۳۹۱). «دستورالعمل اجرای طرح مکننا». معاونت طرح و برنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.



- معاونت عملیات ناجا. (۱۳۹۷). «دستورالعمل اجرای طرح های ارتقا امنیت اجتماعی». معاونت عملیات ناجا.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). «فرهنگ فارسی». جلد اول. چاپ نهم. تهران: انتشارات سپهر.
- مقدسی، محمدباقر، میرزایی، محمد، غنی، کیوان. (۱۳۹۷). «برنامه های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱: ۲۱۴-۱۸۷.
- ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «جرم شناسی فضای مجازی». تهران: انتشارات میزان.
- میرخلیلی، محمود. (۱۳۷۸). «رساله تحقیقاتی پیشگیری از بزهکاری». مجتمع آموزش عالی قم.
- میلر، لیندا، ام هس، کارن. (۱۳۸۱). «پلیس و جامعه». ترجمه: رضا کلهر. فصلنامه دانش انتظامی، ۱۲: ۱۰۷-۸۶.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). «پیشگیری بزهکاری و پلیس محلی». مجله تحقیقات حقوقی، ۲۵: ۴۶-۵۴.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۵). «دانشنامه جرم شناسی». چاپ چهارم. تهران: انتشارات گنج دانش.
- نجفی توانا، علی. (۱۳۸۲). «جرم شناسی». چاپ سوم. تهران: نشر آموزش و سنجش.
- نجفی توانا، علی. (۱۳۸۶). «جرم شناسی». چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات آموزش و سنجش.
- هیوز، گوردون. (۱۳۸۰). «پیشگیری از جرم (کنترل اجتماعی، ریسک و مور نیته اخیر)». ترجمه: علیرضا کلردی و محمد تقی جغتایی. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور.
- Abigail A. Fagan and Delbert S. Elliott (2017) «The prevention of Crime», First Edition, Willie-Blackwell Publications.
- Griffiths C. (2019). «policing and community safety in northern Canadian communities: challenges and opportunities for crime prevention». crime prevention and community safety, 21: 246-266.